نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال سیزدهم - شماره ۵۹۸ - یک شنبه ۴ مهر ماه ۱۳۸۹ - ۸ صفحه - ۳۰۰ تومان

ایرانجوان؛ طلا یا مس





هیئت موسس شاهین، پشت کنگانی را خالی نکرد

ایجاد مراکز منطقه ویژه فناوری های صنعت گاز در فارس به جای بوشهر!

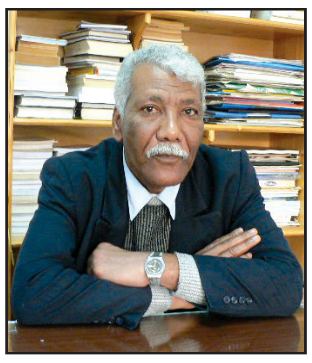
تعهد مسؤولین شرکت گاز در مقابل استان بوشهر کجا رفت؟



باز یاد خوبی، مهربانی و اعتماد



لذت یک خاطره ی فراموش نا شدنی



خورشید فقیه

صفحه ۵

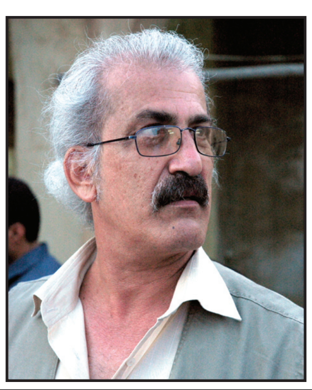
خاطرات خواندنی مدیر پیشین مدرسه عاشوری (کهریزی) در بوشهر



عبدالحمید فقیه

صفحه ۵

"غلو" علف خوار



پرویز هوشیار

صفحه ۴

قابل توجه کلیه مهندسین عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر

به اطلاع می رساند مجمع عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر رأس ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخه ۸۹/۷/۲۵ در محل سالن اجتماعات مجتمع فرهنگی هنری بوشهر برگزار می گردد. لذا از کلیه اعضا جهت شرکت در این مجمع عمومی دعوت به عمل می آید. ضمنا در صورتی که مجمع به حد نصاب لازم نرسد طبق ماده ۵۵ اصلاحیه قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان جلسه مجمع عمومی فوق العاده در همان روز یک شنبه مورخه ۸۹/۷/۲۵ رأس ساعت ۱۷ در همان محل تشکیل می شود.

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر

قهرمانی مجدد تیم بیسبال استان بوشهر در پانزدهمین دوره از این مسابقات در کشور بر همه بوشهر دوستان و خصوصا اعضای تیم بیسبال باشگاه نادری و مربی فهیم و زحمتکشش، آقای علی امام زاده مبارک باد.

سعید قائدی

شهروندانی مسئول نیاز یک شهر زیبا

موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس:

ده‌ها طرح بزرگ راهسازی تنگستان در انتظار تامین اعتبار است



نماینده مردم شهرستان های دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی گفت: در سال همت و تلاش مضاعف برای تحقق برنامه های سند چشم انداز توسعه باید مدیران تلاش خود را برای خدمت به مردم بیشتر کنند.

حجت الاسلام سید محمد مهدی پورفاطمی در جمع خبرنگاران افزود: شهرستان های دشتی و تنگستان قابلیت های مهمی برای توسعه ، رونق اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی جدید دارد که تحقق آن در گرو عزم جدی متولیان امور است.

به گزارش ایرنا وی اظهارداشت: برخی از مدیران غیربومی که در اجرای پروژه‌های عمرانی با همدستی پیمانکاران کوتاهی و سهل‌انگاری می‌کنند باید از صحنه مدیریتی تنگستان عزل شوند.

پورفاطمی یادآورشد: این مدیران نه تنها از تنگستان دفاع نمی‌کنند بلکه برای جذب اعتبارات ملی نیز تلاش ندارند و هیچ رایزنی با مدیرکل مربوطه و حتی با مرکز برای گرفتن اعتبارات ملی انجام نمی‌دهند.

نماینده دشتی و تنگستان با بیان اینکه در چهار سال گذشته سه مدیر اداره راه تنگستان تغییر کرده است گفت:پارسال اعتبارات این اداره فقط چهار میلیارد ریال بوده است این در حالی است که اداره راه دشتی در سال یادشده با احتساب اعتبارات ملی بیش از ۱۰۰ میلیارد ریال اعتبار داشته است.

پورفاطمی افزود: ۷۵ درصد جمعیت شهرستان تنگستان روستایی است بنابراین باید بیشترین اعتبارات صرف اجرای تعریض و احداث راه‌های فرعی و اصلی و روستایی و روشنایی راه‌ها شود.

وی ضرورت هماهنگی با نمایندگان در هنگام توزیع اعتبارات در حوزه های انتخابیه را یادآورشد و گفت:انعکاس مطالبات مردم و پیگیری برنامه های توسعه ای از رسالت های نمایندگان است که مدیران نباید از طرح آن گله مند شوند.

پورفاطمی اضافه کرد: هم اینک ده‌ها طرح بزرگ راهسازی اعم از بزرگراه، راه‌های اصلی و فرعی و روشنایی محورهای مواصلاتی تنگستان در انتظار تامین اعتبار است.

پوی گفت: جاده اهرم به فراشبند، جاده اهرم به خائیز، محور خورشهاب به زائر عباسی، احداث دو پل بر روی رودخانه باهوش، اصلاح و ساماندهی سه‌راه گادویی، توجه ویژه به منطقه گردشگری خائیز و توجه به شهرداری اهرم از مهم‌ترین درخواست‌های مردم و نماینده مردم تنگستان از مسوولان است.

نماینده مردم دشتی و تنگستان اظهارداشت: تسریع در اجرایی شدن احداث فاز دوم بیمارستان اهرم، درمانگاه شهید رجایی و توجه ویژه به بنادر دلوار از دیگر مطالباتی است که مردم چشم انتظار تحقق آن هستند.

شهرستان تنگستان به مرکزیت شهر اهرم در فاصله ۶۰کیلومتری جنوب شرقی بوشهر واقع شده است.

فرماندهی منطقه دوم نیروی دریایی ارتش:

نیروهای مسلح با هوشمندی آماده دفاع از کشور هستند



فرماندهی منطقه دوم نیروی دریایی ارتش گفت: امروز نیروهای مسلح با پشتوانه مردم و بهره مندی از تجربیات دوران دفاع مقدس با هوشمندی کامل در سایه تلاش شبانه روزی آماده دفاع از کشور هستند.

امیر دریادار حسین اشرفی در آیین رژه یگان های نمونه نیروهای مسلح مستقر در استان بوشهر افزود: نیروی های مسلح با تکیه بر ارزشهای اسلامی ضمن ارتقای سطح کیفی تجهیزات به سطحی از توانمندی رسیده اند که هرگونه تحرک دشمن را در نطفه خاموش خواهند کرد.

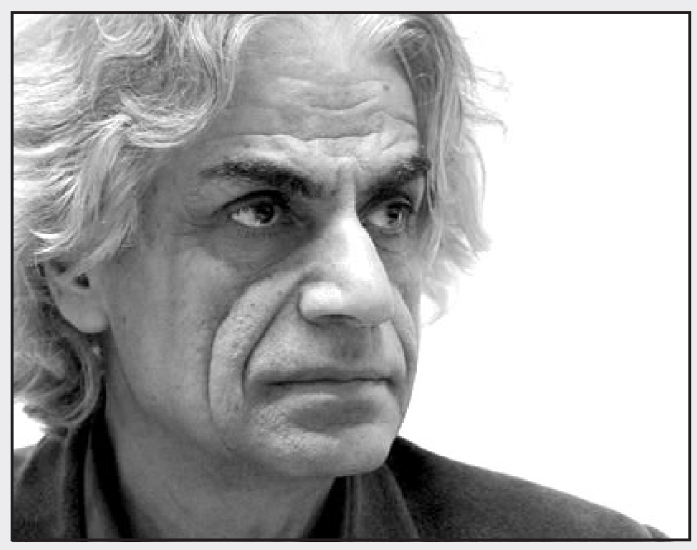
به گزارش ایرنا وی با تاکید بر اینکه امروز نیز دشمنان عیان و نهان را با اقتدار سرنگون می کنیم گفت: هفته دفاع مقدس یادآورغرور و عظمت تاریخی ملتی است که با استفاده از آموزه های ناب محمدی و تحت رهبری مقتدرانه امام راحل با عزمی پولادین هشت سال جنگ تحمیلی را جانانه پشت سر گذاشتند.

اشرفی یادآور شد:ارتش جمهوری اسلامی نیز برای رسیدن به اهداف متعالی خود با خطر کینه توزانه دشمن مواجه است اما در سایه ولایت بر مشکلات فائق آمده و در طوفان فتنه انگیز به مرحله ای از رشد خلاقانه رسیده که بدون هیچ معطلی پاسخگوی توطئه دشمنان است.

وی اظهار داشت: ارتش جمهوری اسلامی اعلام می کند در راستای منویات مقام معظم رهبری با سرمایه نیروی انسانی به پیشرفتهای چشم گیر درعرصه سخت افزاری و نرم افزاری رسیده و خودکفا از بیگانگان به توانمندی خود افزوده است.

"بیا گوش ماهی جمع کنیم"،

کتاب جدید علی باباچاهی



"بیا گوش ماهی جمع کنیم" مجموعه ای از شعرک های علی باباچاهی همراه با عکسهای حمید موذنی از این شاعر و شهر زادگاهش بوشهر، مراحل فنی آماده سازی را پشت سر می گذارد.

علی باباچاهی از جدیدترین کتاب های در دست چاپش به مهر گفت: "بیا گوش ماهی جمع کنیم" مجموعه ای از شعرکهایم است که با عکس هایی از حمید موذنی همراه شده است.

وی ادامه داد: عکس های این کتاب آثاری است که این عکاس از من و شهرم بوشهر گرفته است. در عکسها بافت سنتی شهر همراه با بافت بازسازی شده بوشهر از پنجره های رنگی و اسکله گرفته تا دریا به تصویر درآمده است.

شاعر "فقط از پریان دریایی زخم زبان نمی‌خورد" با اشاره به اینکه کتاب با کاغذ گلاسه و قطع نامتعارف منتشر می شود بیان کرد: "بیا گوش ماهی جمع کنیم" در ۱۰۴ صفحه با بیش از صد شعرک توسط نشر شروع در مرحله آماده سازی است و به زودی برای دریافت مجوز به ارشاد می رود.

باباچاهی افزود: هیچ ارتباط معنایی بین عکس ها و شعرک ها وجود ندارد و اگر ارتباطی ایجاد شده است کاملا تصادفی است. فضای شعرکها بیشتر عاطفی مانند جرقه ای می مانند که به یکباره فضایی را روشن کرده و به ثبت رسانده اند.

وی درباره چگونگی انتخاب عکس ها توضیح داد: نقش من تنها ویراستار عکس ها بوده بدین شکل که تعدادی عکس به من نشان داده شده و من از بین آنها انتخاب کردم.

شاعر "نم نم بارانم" اضافه کرد: نام این شعرک ها را برخلاف جریان رایج، هایکو نمی گذارم چراکه هایکو تعریف و فرآیند آفرینشی و فرهنگ خاص خودش را دارد که شامل حال شعرک های این کتاب نمی شود.

باباچاهی درباره کتاب دیگرش با نام "این هم یک شوخی بود" که به تازگی مجوز نشر گرفته است گفت: این هم یک شوخی بود" گزیده‌ای از شعرهایم است که به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر خواهد شد. ترجمه انگلیسی شعرها با سعید سعیدپور و انتخاب اشعار با همکاری من و سعیدپور بوده است.

وی ادامه داد: ساختار کتاب بدین گونه نیست که مقابل هر شعر ترجمه آن آورده شود بلکه بخش انگلیسی و فارسی مجزا هم آورده شده است. این کتاب را نشر ویستار به زودی منتشر می کند.

شاعر "پیکاسو در آبهای خلیج فارس" درباره کتاب دیگرش اینگونه خبر داد: مجموعه شعر "هوش و حواس گل شب بو برای من کافی است" در نشر ثالث مراحل فنی چاپ را پشت سر می گذارد ولی هنوز به ارشاد فرستاده نشده است.

به گفته وی این کتاب شامل شعرهای سال ۷۸ تا نیمه اول سال ۸۹ را شامل می شود که با دو مقاله تالیفی با نامهای "شعر افشانشی" و "شعر مولف، صلح مولف" همراه شده است و باباچاهی در این مقاله ها بخشی از آرای ادبی خود را بیان کرده است.

باباچاهی درباره کتابی دیگر از خود که مجوز چاپ دوم آن صادر شده است بیان کرد: "گزاره‌های منفرد" مجموعه ای سه جلدی است که پیش از این در سال ۸۰ چاپ شده بود و قرار است بدون تغییر نسبت به چاپ اول توسط نشر "دیبایه" تجدید چاپ شود. این کتاب دو زیرعنوان "بررسی انتقادی شعر امروز ایران" و "بررسی انتقادی شعر جوان ایران" دارد که مجموعه‌ای مطالعاتی در قالب نقد و تحلیل شعر پس از انقلاب تا سال ۸۰ است. در این مجموعه سعی کرده ام تمامی جریان های شعری پس از انقلاب و شاعران این دوره را بررسی کنم و در عین حال حضور شاعران دهه ۴۰ و ۵۰ در عرصه شعری پس از انقلاب هم مورد توجه قرار می گیرد.

این شاعر در پایان عنوان کرد: "کتاب درنگ" به کوشش محمد لوطیج نیز که امسال با زیرعنوان "حیات ادبی علی باباچاهی" منتشر شده است شامل مقاله هایی از سیمین بهبهانی، محمدعلی سپانلو، عبدالعلی دستغیب، محمد محمدعلی و تعدادی از شاعران نسل جوان درباره کارهای من همراه با یک گفتگوی بلند و ترجمه و اصل ۳ شعر از مجموعه "این هم یک شوخی بود" است.

نمایشگاه تجلی ۳۰ سال پایداری در بوشهر



همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس نمایشگاه تجلی ۳۰سال پایداری با حضور استاندار و نماینده ولی فقیه در استان وامام جمعه بوشهر افتتاح شد.

مسوول برگزاری نمایشگاه تجلی ۳۰سال پایداری گفت:این نمایشگاه در ۲۵ غرفه و با حضور ۱۸ مجموعه دست اندر کار نظامی ، انتظامی ، ادارات و دستگاه های مرتبط با دفاع مقدس برگزار شده است.

سرهنگ نصرالله غزنوی افزود : این نمایشگاه که از ۳۱ شهریور تا ۶ مهرماه پذیرای بازدید کنندگان است با همکاری تمامی مجموعه ها برگزار شده است تا نسل جوان را که درآن دوران حضور نداشتند با ارزش های دفاع مقدس آشنا کند.

معاون هماهنگ کننده سپاه امام صادق (ع) تصریح کرد : در صورتی که ارزش ها ودستاوردهای دفاع مقدس به طور کامل وصحیح به نسل جوان منتقل شود و برای آن ها تبیین شود در آینده به پیروزی های بزرگتری دست خواهیم یافت.

وی گفت : هدف از برگزاری این نمایشگاه را زنده نمودن یاد و خاطره شهدا و ایثارگران ، ارایه دستاوردهای دفاع مقدس و بازگویی و بازخوانی موئلفه هایی است که موجب کسب این افتخارات شد.

غزنویان با اشاره به تفاوت های این نمایشگاه با سال های گذشته اظهار داشت : در این نمایشگاه سعی شده است فضایی طبیعی و با حال وهوای جبهه های دفاع مقدس در معرض دید بازدید کنندگان گذاشته شود.

وی اضافه کرد : از دیگر ویژگی های نمایشگاه امسال محول شدن کار طراحی ومستند سازی یک عملیات برجسته توسط استان های برگزار کننده است به طوریکه در سال های آینده برای نمایش در دیگر استان ها نیز قابل ارایه باشد .

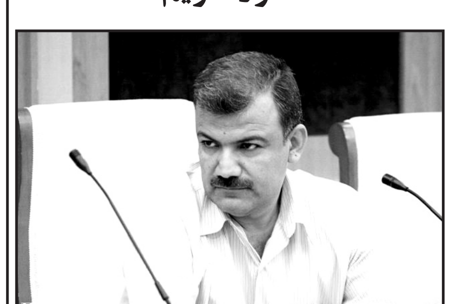
غزنویان گفت: در همین راستا سپاه امام صادق(ع) استان بوشهر نیز کار طراحی ،مستند سازی و جمع آوری اسناد عملیات دریایی شهید مهدوی و همرزمانش در مقابل نیروهای آمریکایی را برعهده گرفته است .

وی گفت: این نمایشگاه از ساعت ۹صبح تا ۱۲ پذیرای دانش آموزان و از ساعت ۱۶تا نماز مغرب پذیرای عموم بازدید کنندگان خواهد بود وپس از نماز مغرب وعشا نیز برنامه شو نشینی با نام حماسه پایداری برگزار خواهد شد.

نیروهای نظامی وانتظامی ، پایگاه ها و نواحی مقاومت بسیج ، بنیاد شهید وامور ایثارگران ، جهاد کشاورزی ، هلال احمر وسازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس از دستگاه ها ی شرکت کننده درنمایشگاه تجلی ۳۰سال پایداری در بوشهر هستند.

رییس پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر:

برای رونق پژوهش باید مشتری محور شویم



بوشهر– رییس پارک علم و فناوری خلیج فارس استان بوشهر گفت: برای رونق بخش پژوهش باید فعالیت ها را در این بخش سفارشی و مشتری محور کنیم.

عبدالمجید مصلح در نشست کارگروه پژوهش استان بوشهر افزود: سیاست دولت نیز تقاضا محور شدن تحقیقات است و پژوهشی نباید انجام شود مگر اینکه نهادی از بخش خصوصی یا دولتی متقاضی انجام آن باشد. به گزارش ایرنا وی اظهار داشت: از آنجا که بیشتر پژوهش‌هایی که در این استان انجام می‌شود مشتری‌محور نیست و کاربردی ندارد باید پژوهش ها براساس سفارش هایی که منابع مالی آنها تامین شده است، انجام شوند. مصلح تصریح کرد: باتوجه به اینکه اعتبارات بخش پژوهش ناچیز است و پاسخگوی طرح‌های پژوهشی استان نیست، مشتری‌محوری شدن پژوهش‌ها علاوه بر اینکه زمینه کاربردی شدن آن‌ها فراهم می‌کند، منابع اعتباری لازم را نیز تامین می‌کند. وی ادامه داد: نبود منابع مالی یکی از مهمترین دغدغه‌های پژوهشگران است و ما ناچار هستیم به سمتی حرکت کنیم که تحقیقات سفارشی و مشتری‌محور شوند. مصلح یادآور شد: دستگاه‌های اجرایی منابع مناسبی برای سفارش پژوهش‌های کاربردی در استان هستند بنابراین باید با فعال‌سازی آن‌ها در این بخش، پژوهش‌ها را در دستگاه‌ها متمرکز کنیم. وی با اشاره به اختصاص یک درصد اعتبارات دستگاه‌ها وشرکت‌ها به بخش پژوهش گفت: اگر دستگاه‌ها و شرکت‌ها سهم خود از اعتبارات پژوهشی را بپردازند، مشکل مالی بخش پژوهش استان مرتفع می‌شود.

مصلح اضافه کرد: تلاش کارگروه سمت و سو دادن به پژوهش در استان و کاربردی شدن این حوزه است و برای این امر باید جایگاه و نقش پژوهش در توسعه را تبیین کنیم.

رییس پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر گفت: فعالیت کمیسیون راهبری پژوهش در مدت تعطیلی کارگروه پژوهش استان مطلوب بوده و اقدامات چشمگیری در این بخش انجام شده است.

مشاور فرهنگی استاندار بوشهر:

بوشهر آماده عملیاتی کردن نمونه‌سازی رصد فرهنگی است

مشاور فرهنگی استاندار و رئیس مرکز راهبری مهندسی فرهنگی استان بوشهر گفت: بوشهر آمادگی لازم برای عملیاتی کردن نمونه‌سازی رصد فرهنگی با طراحی اطلس فرهنگی را دارد.

حجت الاسلام محمد نصیری در دیدار با مدیران عالی رتبه سازمان ملی جوانان کشور اظهار داشت: برای نخستین بار در سطح کشور، مرکز راهبری فرهنگی استان بوشهر آمادگی دارد رصد فرهنگی را با تأکید بر نیازهای جوانان و با طراحی اطلس فرهنگی تدوین و اجرایی کند. وی افزود: باتوجه به برنامه‌ریزی براساس شرایط روز و خواسته‌های نسل جوان باید بگونه‌ای طراحی و اجرا شود که افکار، احساسات و نوع نگرش جوان مد نظر قرار گیرد. نصیری یادآور شد: نیازهای جوانان با منشا فکری و ذهنی مانند نیاز به موفقیت، هویت و کمال‌طلبی در چارچوب این اطلس قرار می‌گیرد.

وی تصریح کرد: هویت دینی و ملی جوانان براساس فرمایشات و رهنمودهای امام راحل و مقام معظم رهبری، سنت نبوی و علوی و با تأکید بر ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار می‌گیرد.

نصیری ادامه داد: جوانان بدنه فعال، پویا و پرانگیزه هر ملت است و از آنجا که جوانان سهم موثری در تضمین حیات فرهنگی و ملی ملت‌ها دارند، اطلس فرهنگی با نگاه دینی و ولایت‌مدارانه و براساس اهداف قدسی زمینه اعتماد نهادهای اجتماعی به جوانان را بیشتر می‌کند.

مشاور فرهنگی استاندار بوشهر گفت: براساس ضرورت موجود اطلس فرهنگی با دو نگاه کمی و کیفی در حال طراحی و تدوین است و این اطلس وضعیت موجود را رصد کرد و براساس سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام یک شناسنامه فعالیت با پشتوانه علمی قوی که قابلیت اجرایی داشته باشد را طراحی و تدوین می‌کند.

وی با اشاره به ویژگی‌های این اطلس فرهنگی افزود: آمایش فرهنگی مهمترین شاخصه این اطلس فرهنگی است که امکانات مورد نیاز نسل جوان را براساس اسناد ۱۳گانه سازمان ملی جوانان می‌تواند جانمایی کند.

نصیری اظهار داشت: برپایه این آمایش فعالیت دستگاه‌ها و نهادها براساس آنچه در اطلس فرهنگی نمایش و سازماندهی می‌شود.

فرماندار دیر بوشهر:

هفته دفاع مقدس فرصتی برای انتقال ارزش ها به نسل جوان است



فرماندار دیر گفت: گرامیداشت هفته دفاع مقدس فرصتی برای انتقال ارزشها به نسل آینده است که باید این هفته را غنیمت دانست.

غلامحسین خسروی در شورای اداری شهرستان دیر افزود: گذشتگان و آفرینندگان این حماسه که نقش رنگارنگ و جاویدان دفاع مقدس در جامعه داخلی وبین المللی ترسیم کردند، باید به نحو شایسته تقدیر و تجلیل شوند.

به گزارش ایرنا وی اظهارداشت: اقتدار نظام اسلامی به برکت حرکت راهبردی امام راحل در دفاع مقدس شکل گرفت و سرمایه عظیمی برای هدایت انقلاب اسلامی شد.

فرماندار دیر اضافه کرد: مدیران از خدمت رسانی به مردم دریغ نکنند وبه نیروهای زیردستی خود توصیه کنند که گاهی به دلیل کم کاری یا برخورد نادرست با مردم باعث عصبانیت و نارضایتی مردم نشوند.

وی با قدردانی از برنامه ریزی مناسب دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی شهرستان درجذب دانشجو و روند کاری آنان گفت: دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی برنامه ریزی خوبی برای دانشجویان دارند واز روسای این دودانشگاه می خواهم که برای تقویت اخلاق، معنویت و آموزش در دانشگاه برنامه ریزی مناسبی داشته باشند.

فرمانداردیر در رابطه با پروژه های مصوب هیات دولت در این شهرستان نیزگفت: امسال سه پروژه مهم که از مصوبات سفر دوم هیات دولت به استان بوشهر است در این شهرستان اجرایی می شود.

وی تصریح کرد:این پروژه ها شامل بیمارستان دیر با ۷۰میلیارد ریال است که به قرارگاه خاتم الانبیا واگذارشده و در سال جاری عملیات اجرایی آن آغاز می شود.

خسروی در خصوص عملیات اجرایی پروژه اسکله وموج شکن خورخان نیز گفت: مردم بردخون به زودی از نعمت این موج شکن برخوردار می شوند.

فرمانداردیر در خصوص بزرگراه ساحلی دیر به بوشهر نیز یادآور شد: بزرگراه پارس شمالی دیّر به بوشهر به صورت دوبانده آغاز شده است.

امام جمعه بوشهر:

شکست حریم انبیا الهی بی حرمتی به همه مبانی انسانی است



نماینده ولی فقیه در استان وامام جمعه بوشهرگفت: شکست حریم انبیا الهی بی حرمتی به همه مبانی انسانی است، و سکوت مجامع بین‌المللی دراین زمینه محکوم است.

آیت‌الله غلامعلی صفایی بوشهری در نشست شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر با محکوم کردن هتک حرمت به قرآن کریم اظهار داشت: تهاجم فرهنگی، اشاعه فساد و هتک حرمت کلام الله مجید از اقدام هایی است که استکبار می کوشد ، اسلام را در فضای بین الملل به عنوان یک دین خشن و تروریستی در مقابل مسیحیت و سایر ادیان قرار دهد . به گزارش ایرنا وی اظهارداشت:این درحالی است که قرآن نازل شده تا انسانیت را در تمامی ادوار ترویج دهد و انسان را از اندیشه، رفتار و اخلاق ابتذالی به اوج تعالی هدایت کند.

صفایی بوشهری یادآورشد:باتوجه به اینکه قرآن مجید بعنوان جامع کتاب های آسمانی پیش از خود است اسائه ادب به ساحت مقدس آن هتک حرمت به سایر ادیان و کتب آسمانی است. وی اضافه کرد:هتک حرمت قرآن کریم کتاب هدایت الهی انسان توسط مزدوران استکبار جهانی و سکوت دولتمردان امریکا به حمایت از آنان ،نشان از عقب ماندگی اندیشی ،سفاهت و بی منطقی فرهنگی و ارتجاع سیاسی جاهلی آنان دارد. امام جمعه بوشهر در بخش دیگری از سخنان خود در زمینه گذران اوقت فراغت و برنامه های تفریحی مردم نیز گفت:هر راهکاری در زمینه ایجاد روحیه نشاط و امید در جامعه باید با مراعات جوانب شرعی ارایه شود.

مدیر اجرایی نیروگاه بوشهر:

حمله ویروسی به نیروگاه نشده



مدیر اجرایی نیروگاه برق هسته‌ای بوشهر ادعاهای مطرح شده برخی رسانه های غربی درباره حمله ویروسی به رایانه های این نیروگاه را رد کرد.

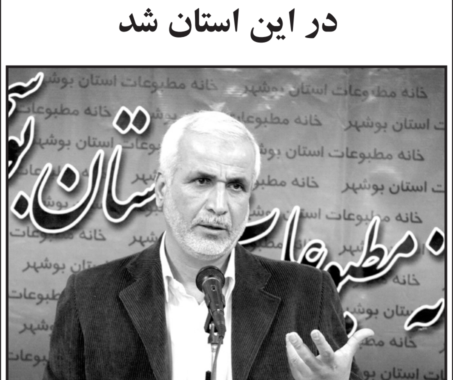
محمود جعفری در گفت وگوبا شبکه العالم، اظهار داشت: همه رایانه ها و سامانه های هدایتگر تاسیسات صنعتی نیروگاه برق هسته ای بوشهر به طور طبیعی فعال هستند، و ادعاهای مطرح شده درباره حمله ویروسی صحت ندارد.

وی افزود: فرایند بارگذاری سوخت در نیروگاه طبق برنامه و جدول زمانی مشخص شده در حال انجام است؛ و هیچ مشکلی در این خصوص وجود ندارد.

رسانه‌های غربی اخیرا مدعی شدند ویروسی بنام استاکس نت، به رایانه های تاسیسات مهم و زیرساختی ایران نفوذ کرده است.

این رسانه ها همچنین مدعی شدند که این ویروس می تواند موجب تعطیلی نیروگاه بوشهر یا مرکز غنی‌سازی اورانیوم نطنز شود؛ امری که کارشناسان و دانشمندان هسته‌ای ایران آن را بسیار بعید دانسته اند.

نماینده بوشهر خواستار راه اندازی کارخانه ماشین سازی در این استان شد



نماینده مردم شهرستان های بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی گفت: برای ایجاد زمینه های بیشتر رونق اشتغال و اقتصاد این استان، راه اندازی کارخانه ماشین سازی مدرن با مسوولان مربوطه در دست اقدام است.

غلامعلی میگلی نژاد در گفت وگو با ایرنا افزود: احداث کارخانه های بزرگ تولیدی یکی از زمینه های ایجاد اشتغال و تولید پایدار است. وی اظهارداشت: در همین راستا برای احداث کارخانه ماشین سازی مدرن با مهندس محرابیان وزیر صنایع و معادن موضوع مطرح و در نامه ای موضوع را خواستار شده ام .

رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی اضافه کرد:بنابر اعلام سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران؛ موضوع در طرح جامع ماشین سازی مدرن که توسط شرکت مهندسین مشاور صنعتی ایران در حال مطالعه و بررسی است، در نظر گرفته خواهد شد . میگلی نژاد گفت: امیدواریم با پیگیری مسوولان استانی و حمایت مقام های کشوری این طرح بموقع و هر چه سریعتر مرحله اجرایی به خود گیرد.

کرایه سرویس های مدارس در شهر بوشهر مشخص شد

مدیر عامل تاکسیرانی بوشهر گفت :درآستانه آغاز سال تحصیلی جدید برای تصمیم گیری و اطلاع خانوادههای بوشهری در مورد کرایه سرویس های مدارس این شهر تصمیم گیری شده است. عبدالرسول رمضانی در گفت وگو با ایرنا افزود: در شهر بوشهر دو شرکت تاکسیرانی بنام زیتون وحامی تخت جمشید توسط کارگروه سرویس مدارس ، مجاز به سرویس دهی به مدارس شده اند. وی اظهارداشت:براساس تصمیم کارگروه سرویس مدارس مبلغ کرایه برای منطقه مرکزی شهر بوشهر سیصد وده هزار ریال وبرای حومه شهر چهارصد وده هزارریال برای هر نفر در ماه تعیین شده است.

رمضانی یادآورشد:دریافت مبلغی بیش از رقم تعیین شده خلاف قانون است و با افراد خاطی برخورد خواهد شد.

این مقام مسوول اضافه کرد: باتوجه به نظارت بر عملکرد شرکت های یادشده از خانواده ها درخواست می شود امور سرویس مدارس فرزندان خود را به به سرویس های مجاز بسپارند در غیر این صورت پیامدهای استفاده از سرویس های غیر مجاز بر عهده خودشان خواهد بود.

رمضانی درخصوص طرح شناسایی ناوگان حمل ونقل بار درون شهری نیز گفت : با اعلام ابلاغ دستورالعمل طرح شناسایی ناوگان حمل ونقل بار درون شهری وحومه توسط اتحادیه تاکسیرانی شهری کشور به عنوان مسوول این طرح ، این سازمان ثبت نام وانت بارها وتاکسی بارها را آغاز نموده است.

وی ادامه داد:مالکان خودروهای حمل بار درون شهری و حومه هرچه سریع تر با مراجعه به سازمان تاکسیرانی نسبت به ثبت نام خودروی خود اقدام نمایند.



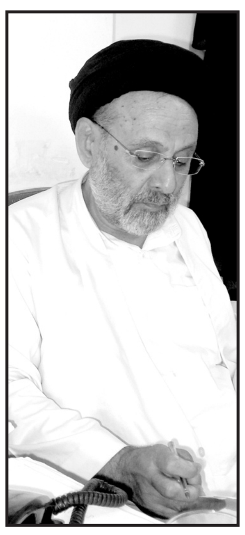
مدیرعامل تاکسیرانی بوشهرگفت : با توجه به اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها در صورت عدم ثبت نام ، مسوولیت پیامدهای بعدی آن به عهده مالکان خودروها میباشد.

نسیم جنوب ۳
اجتماعی
شماره ۵۹۸ یکشنبه ۴ مهرماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

اخلاق آسمانی

پاداش نیکی

آیت الله سید مصطفی حسینی



پاداش نیکی به معنی تلافی احسان و جبران لطف و محبت، از خصلت هائی است که اسلام با تأکید شدید، بدان دستور داده است، آنچنان که آن را از مسلّمات و قطعیات شمرده: (هل جزاء الاحسان الاّ الاحسان) (آیا پاداش نیکی جز نیکی چیز دیگری می تواند باشد؟!) . (رحمن:۶۰)

از امیرالمؤمنین (ع) رسیده که فرمود: هرآنکس که در برابر احسانی که به وی شده به همان اندازه پاداش دهد یا مانند کاری که طرف کرده (بی کم و کاست) برای او کاری انجام دهد در حقیقت تلافی و معامله به مثل نموده ولی اگر بر آن بیفزاید وظیفه سپاس ادا نموده، و سپاسگزار بزرگوار است. (بحار:۴۲/۷۵)

امام صادق (ع) فرمود: «آیه (هل جزاء الاحسان الاّ الاحسان) درباره کافر و مسلمان، نیک و بد ، جاری است، کسی که احسانی به وی شد ، بایستی آن را تلافی کند، و پاداش او تنها این نیست که به اندازه کار او به وی احسان نماید بلکه این قدردانی را نیز باید داشته باشد که طرف ، به وی آغاز به احسان نموده است».

پیغمبر (ص) فرمود: «هر که به شما احسانی نمود آن را تلافی کنید و اگر نتوانستید آن قدر وی را دعا کنید که فکر کنید تلافی به عمل آمده است». (بحار:۴۳/۷۵)

در تاریخ آمده که هیئتی از سوی نجاشی (پادشاه حبشه که قبل از هجرت به یاران پیغمبر پناه داده بود) بر حضرت رسول (ص) در مدینه وارد شدند، خود حضرت شخصاً از آنها پذیرائی نمود، عرض شد: یا رسول الله! اجازه بفرمائید ما پذیرائی ایشان را تصدّی کنیم، فرمود: «آنها اینچنین از اصحاب من پذیرائی کردند». (ایجاب می کند که ما نیز احسان آنها را تلافی کنیم).

از بزرگمهر سؤال شد: در دوران قدرت و مقامت ، چه چیزی بیش از هر چیز مایه شادمانی تو گردید؟ وی گفت: این که توانستم به کسانی که به من نیکی کرده بودند مکافات دهم و نیکی آنها را جبران نمایم.

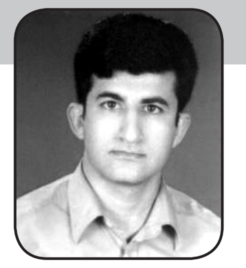
از اسکندر ذو القرنین پرسیدند: بیشترین شادمانی تو از این قلمرو گسترده و کشور پهناور در چیست؟ گفت: در این که می توانم نیکی های کسانی که روزگاری درباره من شده است به بهترین وجه جبران نمایم. (ربیع الابرار:۶۰۱/۱ و ۶۰۵)



ایجاد مراکز منطقه ویژه فناوری های صنعت گاز در فارس به جای بوشهر!

تعهد مسؤولین شرکت گاز در مقابل استان بوشهر کجا رفت؟

دکتر مجید سعدآبادی – لندن



استفاده از امکانات و ظرفیت های پارس جنوبی و دیگر منابع نفتی و گازی استان نیاز به برنامه ریزی در تمام سطوح دارد. در لایه های بالا با رایزنی و اعمال نفوذ می توان کارهایی را پیش برد ولی خیلی از مواقع لایه های زیرین توانایی بیشتری در این زمینه دارند.

بزرگترین بهره‌بردار منطقه ویژه پارس, شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی است که به دلیل سطح بالای تحصیلی نیروهایش نسبت به بقیه بدنه وزارت نفت, به نوبه خود می‌تواند تعامل خوبی با دانشگاه داشته باشد. قطعا وجود دانشگاه خلیج فارس در استان بوشهر می‌تواند این تعامل را بومی کرده و در صورت فعال بودن اساتید دانشگاه های استان و رفع نیاز تحقیقاتی مجتمع‌های صنعتی فعال در منطقه, تعامل در لایه‌های زیرین را به نفع استان پیش ببرد. این در حالی است که حجم مراجعات و درخواست پروژه‌های تحقیقاتی که از دانشگاههای بوشهر ارایه می‌شود قابل مقایسه با دانشگاههای استان فارس نیست.

سال ۸۵ اولین همایش ملی تخصصی گاز ایران در دانشگاه شیراز برگزار شد. همایشی که تریبونی شد برای برخی از اساتید و مسوولین استان فارس تا القا کنند که تنها گزینه و تنها راه نجات پارس‌جنوبی از تمام محرومیت‌های پزشکی, علمی و فرهنگی الحاق آن به استان فارس است. و قطعا اگر کسی نمی‌دانست که همین استان فارس چه مناطق محرومی دارد که حتی از داشتن آب آشامیدنی هم محرومند, در همانجا بر مسوولین نفت خرده می‌گرفت که چرا این کار به فردا موکول شده است.

نطفه همکاری بیشتر شرکت گاز با فارس در همان همایش بسته شد. از قبل از همایش اساتید دانشگاه شیراز مرتب با ما و مدیریت پالایشگاه در ارتباط بودند و بعد از آن همایش این ارتباطات بیشتر شد.

راستش ما نمی توانستیم دست دانشگاه شیراز را پس بزنیم چون بالاخره شرکت می خواست پروژه های تحقیقاتیش انجام شود و خیلی هم برای شرکت فرقی نداشت که چه کسی آن طرف میز می نشیند و دانشگاه خلیج فارس هم متاسفانه خیلی فعالیتی نداشت.

و اما ما چه کرده‌ایم؟

در بازی فوتبال وقتی تیمی با ترکیب تدافعی وارد زمین مسابقه می‌شود، حتی خوشبینانه‌ترین طرفدارانش هم باخت را برای او پیش بینی می‌کنند. حال بارها شده‌است که تیمی با ترکیب ضعیف‌تر ولی تهاجمی وارد زمین شده‌است و هر آنچه که داشته رو کرده و این نه تنها موجب عقب نشینی حریف شده‌است، بلکه جسارت آنها را بیشتر کرده و مسابقه را با برد به پایان برده‌اند. حکایت ما هم همین است. شده‌ایم تیم ضعیف‌تر و منتظریم ضربه‌ای بزنند و ما دفاع کنیم. آنها در تهران، شیراز و عسلویه کار خود را پیش می‌برند و ما هم در بوشهر نشسته‌ایم و افسوس می‌خوریم.

دکتر پاک سرشت (مدیر پژوهش شرکت ملی گاز) به تازگی اظهار داشته است: «یکی از پروژه های ما طراحی مفهومی احداث منطقه ویژه فناوری های نوین صنعت گاز است. این طرح یک طرح ملی و فراتر از وزارت خانه است... براساس این مطالعات به راه حل تشکیل پارک فناوری مختص صنعت گاز یا همان منطقه ویژه فناوری صنعت گاز رسیدیم هم اکنون در مراحل پایانی طراحی مفهومی هستیم. این کار باید در سه لایه انجام شود لایه اول آن در منطقه جم قرار دارد، لایه اصلی در شیراز است که به عنوان مراکز منطقه ویژه فناوری های صنعت گاز مطرح است !!!لایه سوم هم پارک های ویژه علم و فناوری در سطح کشور هستند... موافقت استاندارس فارس نیز برای ایجاد این منطقه در شیراز اخذ شده است.» (ماهنامه داخلی شرکت گاز – صفحه ۵۳ ، شهریور ۸۹).

البته احتمالا شرکت ملی گاز هم بر اساس اهمیت و توانایی دانشگاه شیراز و ارتباط خوبی که دانشگاه شیراز در این ۳-۴ سال برقرار کرده اند این تصمیم را گرفته اند ولی به نظر من می شود با مدیریت خوب، داستان را به نفع استان چرخاند.

من زمانی که در کمیته فنی شرکت گاز نماینده شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی بودم هر هفته یکشنبه با دکتر پاکسرشت جلسه داشتیم و فکر نمی کنم دشمنی با استان بوشهر در میان باشد، بلکه آنها هم دنبال کار خودشان هستند. برای شرکت گاز مهم است که پشتیبانی فنی خوبی داشته باشد. ما باید به مسؤولین شرکت گاز بقبولانیم که آنها در مقابل استان بوشهر متعهدهستند.

در رابطه با این موضوع شاید بهتر باشد کمیته ای در استان شامل اساتید دانشگاه, نیروهای صنعتی شرکت گاز و بیرون از شرکت و چند نفر از افراد منطقه جم و عسلویه تشکیل شود و با مسؤولین شرکت گاز مستقیم وارد صحبت شوند.

به هر حال مسئولان و دانشگاهیانی که در استان حضور دارند بهتر می توانند فعالیت کنند و انتظار است که ساکت ننشینند. چرا مراکز منطقه ویژه فناوری های صنعت گاز در استان بوشهر نباشد؟ مگر این استان هم اکنون بیش از ۶۰ درصد گاز این مملکت را تولید نمی کند و با راه اندازی فازهای ۱۱ تا ۲۸ بیش از ۸۰ درصد. چرا استان فارس باید از موهبات پارس جنوبی برخوردار گردد و آلودگی و ناهنجاری هایش برای استان بوشهر باشد؟

همچنین از نخبگان استان انتظار می رود با قلم شیوا و رسای خویش و با تنویر افکار عمومی تلاش نمایند تا مراکز منطقه ویژه فناوری های صنعت گاز در بوشهر ایجاد شود.

از دریچه تاریخ

یک پیشنهاد به مورخان و دانش پژوهان بوشهری

محمدعلی بختیاری



دوازدهم شهریور ، سالروز شهادت رییس علی دلواری در سال ۱۲۹۴ هجری خورشیدی است . این روز با همه اهمیتی که در تاریخ بوشهر و ایران دارد در هیچ تقویمی ثبت نشده است (۱).

شهر و استان بوشهر هر دو قدمتی چند هزار ساله دارند و به همین نسبت نیز تاریخ و فرهنگ ما دیرپا و پربار است . اگر بپذیریم که بوشهر جزیی از تمدن عیلامی بوده است – که البته در این شکی نیست و علاوه بر آثار بجا مانده ، اسناد مکتوبی نیز در این زمینه در دست است – پس بوشهر واقعا از سپیده دم تاریخ یعنی چهار تا پنج هزار سال پیش تا به حال حیات داشته است (۲). در این چند هزار سال ، به ویژه در این چند صد سال گذشته که بوشهر و مردمان آن نقش بسیار مهمی در تاریخ و فرهنگ و اقتصاد و حیات اجتماعی ایران داشته اند ، حوادث و رویداد های پر اهمیتی در این ناحیه از کشور رخ داده است که ارزش فراوانی برای ثبت در تاریخ دارند . خوشبختانه بسیاری از جنبه های فرهنگ و تاریخ ما به دست دانش پژوهان و نویسندگان توانای استان به صورت کتاب و مقاله ثبت و منتشر گردیده است . با اینحال به نظر نگارنده رسید که چه خوب بود اگر ما بوشهری ها خلاصه ای از همه رویدادها ، پیشرفت ها ، تلاش ها و حوادث مهم شهر و دیارمان را به صورت سر فصل وار در یک دفتر ، در دسترس داشتیم . این کار می تواند یک اثر مستقل ، یا به صورت تهیه یک تقویم با ذکر حوادث مربوط به بوشهر باشد .

گستره موضوعاتی که برای استخراج تاریخ ها بررسی می شوند می تواند شامل حوادث تاریخی، رویدادهای فرهنگی، اجتماعی ، اقتصادی ، صنعتی ، عمرانی ، سیاسی ، ورزشی ، اقلیمی و ... باشد .

با توجه به گستردگی این موضوعات تهیه چنین تقویمی می تواند یک «کار گروهی» و به صورت یک « پروژه » توسط افراد (گروهی از محققان) یا نهادهایی مانند « بنیاد بوشهر شناسی » انجام گیرد .

از جمله مواردی که برای آوردن در این تقویم یا اثر مناسب اند ، برخی از « اولین » های بوشهر است ؛ برای مثال تاریخ افتتاح اولین مدرسه به سبک امروزی در بوشهر (مدرسه سعادت ، ۱۲۷۸ هجری خورشیدی) ، تاریخ تأسیس اولین تیم ورزشی ، تاریخ اولین و آخرین باری (در دوران معاصر) که در شهر بوشهر و حومه یخبندان اتفاق افتاد (بهمن ۱۳۴۱) ، تاریخ استقلال بوشهر از استان فارس و ... .

همانطور که گفته شد با توجه به گستردگی این موضوعات ، آوردن یا نیاوردن برخی تواریخ ، می تواند به سلیقه تهیه کنندگان بستگی داشته باشد . چنین مجموعه ای ممکن است برخی از جنبه ها را نمایان تر نشان دهد . برای مثال در زمینه فرهنگی می توان با ذکر تاریخ تولد یا وفات یا زمان انتشار آثار برجسته بزرگان فرهنگ و ادب و هنر این مرز و بوم ، در بزرگداشت ایشان کوشید و از این راه مردم و جوانان را با فرهیختگان استان ، به ویژه آنان که خوشبختانه در میان ما هستند ، هر چه بیشتر آشنا ساخت .

استخراج و آوردن برخی تاریخ ها می تواند یادآور یا روشنگر مقطعی از تاریخ ما باشد: ملک التجار بوشهری ، بازرگان بزرگ عهد قاجاریه ، در روز عروسی تنها پسرش دستور داد سماور را با آتش زدن چند گونی اسکناس به جوش آوردند و با آن برای مهمانان ویژه اش چای دم کرد. این کار هر چند نابخردانه بوده است ، یادآور دوران رونق و شکوفایی تجارت و بازرگانی در بوشهر است و نیز عبرتی است تاریخی ، چرا که گفته می شود که همان تنها پسر ملک التجار ، سرانجام در فقر و بدبختی و گرسنگی درگذشت (۳).

انتشار چنین اثری که حیات دیرپای اجتماعی و فرهنگی ما را در گستره تاریخ نشان می دهد ، علاوه بر آشنا کردن هر چه بیشتر مردم استان (و نیز دیگران) با تاریخ و مفاخر بوشهر ، گامی نیز در راستای تقویت روحیه همبستگی و خودباوری جمعی و اعتماد به نفس به ویژه در جوانان شهر و دیارمان خواهد بود .

توضیحات :

۱ – در حالیکه سالروز شهادت میرزا کوچک خان جنگلی تقریبا در همه تقویم ها آمده است .

۲ – مطابق خشت نوشته های عصر عیلامی که در سال ۱۹۱۳ میلادی از طرف هیأت باستان شناسی فرانسوی در محلی به نام « تل پی تل » در جنوب محله امامزاده بوشهر به دست آمده ، معلوم شد که معبد خدای بزرگ عیلامی یعنی « شوشیناک » در این منطقه قرار داشته است . همچنین براساس نوشته هایی که از روی خشت های خام و پخته بدست آمده نام قدیمی این منطقه « لیان » بوده است که نامی است عیلامی به معنای « آفتاب درخشان » یا « سرزمین آفتاب درخشان » . مجموعه مقالات کنگره رییسعلی دلواری ، ۱۳۷۳ ، صفحه ۱۴

۳ – این داستان به همین شکل و با جزییات بیشتر در میان مردم بوشهر مشهور است و در برخی نشریات نیز به نگارش در آمده است ، ولی نگارنده از درستی یا نادرستی آن خبر ندارد . در کتاب « تاریخ اقتصادی – اجتماعی بوشهر در عصر قاجار » نوشته رضا دشتی ، که فصلی نیز درباره خاندان ملک التجار دارد ، از این داستان یا تهیدست شدن فرزند ملک التجار سخنی به میان نیامده است.

کیفیت زندگی

آیا فرزند بیشتر، زندگی بهتری به دنبال دارد؟

شهریار بوشهری



این روزها شعار «فرزند کمتر ، زندگی بهتر » رنگ باخته است. همه جا سخن از این است که سیاست احمدی نژاد و دولت وی بر این قرار گرفته که جمعیت کشور را به بالای ۱۲۰ میلیون نفر برساند و برای اینکار قرار است هزاران میلیارد تومان از بودجه کشور هزینه کند (۱) .

هر چند نمایندگان مجلس و بسیاری از صاحبنظران با این «تصمیم» مخالفت کرده اند و آن را « علاقه شخصی » احمدی نژاد دانسته اند ، با اینحال نویسنده در درستی یا نادرستی این خواسته دولت فعلی ، سخنی نمی گوید ولی چیزی که تجربه می گوید این است که «کیفیت زندگی» افراد، امر مهمی است. یعنی اینکه هر فردی که به دنیا می آید اگر زندگی خوبی نداشته باشد و بخواهد با « بدبختی » و «خواری و کوری» زندگی کند، حتما به مشکل بر می خورد. بچه ای که قرار است از آسایش خانوادگی بی بهره باشد و در جامعه ای پر از استرس و التهاب ، که قانون در آن چندان جایگاهی ندارد با هزاران مشکل تاریخی و ساختاری و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و معیشتی زندگی کند و از آموزش و پرورش واقعی محروم باشد، در بزرگسالی فرصتی برای شادی یا ابراز آن نداشته باشد ، زندگی اش همه ناراحتی و اعصاب خردی و استرس و درگیری و ناملایمات باشد، چنین فردی چه زندگی می تواند داشته باشد؟ اگر علاوه بر اینها، فقیر و کم پول هم باشد که دیگر زندگی اش بسیار تلخ و غم انگیز است ، و قسمت دردناک داستان هم در همین جاست که بسیاری از ما ایرانی ها زیر خط فقر هستیم! بدبینی به هیچ وجه درست نیست ولی آیا واقع بینی هم بد است؟ واقعیت این است که آمارهای رسمی وضعیت جامعه و کشور را بسیار بد نشان می دهد (این بدی ها را ما به چشم خودمان هم شبانه روز می بینیم) : ایرانیان بزرگترین مصرف کننده تریاک در جهان هستند (۲) این را جمع بزنید با میزان مصرف هرویین ، حشیش ، کراک ، شیشه ، روان گردان ها و ... (۳) . طبق آمار داخلی دستکم ده میلیون نفر از ایرانی ها یا معتادند یا درگیر مسأله اعتیادند و در خانواده فردی معتاد دارند. ایران رتبه چهارم طلاق را در جهان دارد. در مورد طلاق نکته بسیار مهمی وجود دارد ، در کشورهای غربی طلاق امر چندان مشکلی نیست و تقریبا عادی است و زن مطلقه یک فرد مطرود و سرشکسته در جامعه نیست و فرزندان آنها لزوما مشکل دار و دربدر و روانی و ... نمی شوند . معمولا همه چیز به شکلی متمدنانه و بدون زد و خورد حل و فصل می شود ولی در اینجا بیشتر زنان یا مردانی که طلاق می گیرند خودش و فرزندانش و خانواده اش برای همیشه دچار مشکل می شوند . با این حال آمار طلاق در کشور ما سال به سال بالا و بالاتر می رود.

سریال های ایرانی که صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می کند نمایش بخشی از زندگی مردم است: درگیری های خانوادگی ، کینه و نفرت ، طلاق ، خیانت و دورویی ، فساد و فحشا ، مواد مخدر ، قتل و جنایت ، پلیس و آگاهی و زندان ، دروغ و کلاه برداری ، غم و غصه و مشکلات روانی و ... اینها صحنه های زندگی بسیاری از خانواده ها است. در حوزه های عمومی تر نیز (مانند اقتصاد و سیاست) وضعیت چندان بهتری از وضعیت اجتماعی مان نداریم .

به غیر از طلاق و مواد مخدر ، در دهها آمار دیگر نیز در جهان وضعیت مناسبی نداریم. (بدبختی اینجاست که مرتبا در آمارهای جدید جهانی که منتشر می شود در هر زمینه ای چند پله بیشتر سقوط می کنیم !) برای مثال : محیط زیست ما به شدت در حال تخریب است . نابودی جنگل ها و درختان ، نابودی زمین های کشاورزی (یا طعمه کویر و بیابان می شوند یا طعمه زمین خواران) نابودی دریاچه ها و تالاب ها و رودخانه ها و ...

این جمعیت ۱۲۰ میلیونی مورد نظر آقای احمدی نژاد در کدام محیط زیست می خواهد زندگی کند؟ و در این کشور به کدام منظره می تواند نظر بیندازد که « چشم خراش » و « دلخراش » نباشد؟ دریا و ساحل هم در شمال و هم در جنوب پر از آشغال و زباله است ، از جنگل ها که دیگر چیزی باقی نمانده، آنهایی که مملکت ارث پدرشان بود درختان را بریدند و فروختند و زمینش را هم پول و ویلا کردند. کوهها را هم که می کنند و می فروشند (۴) یا سنگ و خاکش را بعنوان صادرات غیر نفتی!! به خارج «صادر» می کنند. جانوران ما که نسل اکثر آنها به خاطر بی توجهی و هزار درد بی درمان دیگر اکثرا منقرض شده یا در حال انقراض هستند. پس چه باقی می ماند ؟ به گفته نویسنده کتاب « جامعه شناسی خودمانی » چرا ما افراد دیگری را به این « واویلا سرا » بیاوریم ؟ (۵) بسیاری از ما « امروز » نمی توانیم زندگی درست و شایسته و مناسب شأن انسان داشته باشیم ، فرزندان ما که برای « فردا » هستند دیگر چگونه می خواهند زندگی کنند خدا می داند!

البته انسان با «امید» زندگی می کند و انشاءالله فردا بهتر از امروز باشد ولی برای این امیدواری ، قرینه و دلیلی هم باید داشته باشیم.

یک استدلال ساده چشم انداز این امیدواری را کم رنگ می کند: امروزه بیش از نود درصد درآمد کشور ما تنها از راه صادرات نفت است . (ایران یکی از بزرگترین صادر کنندگان نفت جهان است) . این وابستگی ما به نفت نه تنها کم نشده بلکه سال به سال نیز افزایش یافته است و نیز همانطور که بر همگان آشکار است ایران (به نسبت جمعیت و اقتصاد) یکی از بزرگترین واردکنندگان جهان است و تقریبا چیزی نیست که برای تهیه آن به خارج وابسته نباشیم (۶) . از مطالب گفته شده نتیجه می گیریم که اولا ما قدرت تولید این کالاها را بطور کلی یا به میزان یا کیفیت لازم در داخل کشور نداریم . ثانیا ما همه این چیزها را که بخش بزرگی از آن مواد غذایی است ، تنها با پول نفت می خریم. به گفته همه محققان نفت حداکثر تا پنجاه – شصت سال دیگر تمام می شود. حتی برخی کارشناسان پیش بینی می کنند که نفت تا ده سال دیگر کاملا کمیاب می شود . به هر حال عمر یک ملت (و حتی یک آدم معمولی) بیشتر از ۶۰-۵۰ سال است (یا باید باشد) . بنده می پرسم آنوقت که نفت تمام شود این جمعیت ۱۲۰ میلیونی یا بیشتر، چه باید بخورند؟ از کجا بخورند؟ چطور زندگی کنند؟ تا کنون که هیچ برنامه اقتصادی موفقی برای رهایی از این وابستگی تقریبا صد در صد به نفت ارایه نشده یا اگر شده به هیچ وجه عملی نشده، ما با چه توجیهی به « فردای بهتر » امید داشته باشیم ؟

تابستان همین امسال خاموشی به شکل وسیعی در کشور اتفاق افتاد و حتی دولت دو روز را به علت گرمای هوا و جهت صرفه جویی در مصرف برق تعطیل کرد. در این تابستان صنایع و اقتصاد کشور ، به گفته رسانه های داخلی ، از بی برقی و قطعی برق بشدت آسیب دیدند. رسما اعلام شد که حداکثر ظرفیت تولید برق با میزان مصرف برابر شده است. البته بی گمان مصرف برق از تولید آن پیشی گرفته است و گرنه خاموشی های گسترده معنا نداشت . این بدان معناست که ما حداکثر برای همین ۷۴ میلیون فعلی می توانیم برق تولید کنیم . آیا نفراتی که قرار است اضافه شوند برق نمی خواهند؟ آیا قرار است بعد از این برق فقط برای عده ای که «پول بی حساب» یا «زور» دارند باشد؟ کشور ما بطور کلی کشوری کم آب است . آیا برای جمعیت اضافی آب سالم و بهداشتی به حد کافی وجود خواهد داشت؟

اینها مسایلی است که هر فردی که می خواهد پدر یا مادر شود باید دستکم چند دقیقه ای به آنها بیندیشد. یک میلیون تومانی که قرار است دولت به هر نوزاد بدهد، هر چند پول خوبی است ولی به نظر نمی رسد این یک میلیون تومان رفاه ، امنیت و سعادت « فردا » ی کودکانی را که « امروز » به دنیا می آیند تأمین کند.

توضیحات :

۱ – نسیم جنوب ، شماره ۵۹۵ ، مقاله « ۷۵ میلیارد دلار برای مقابله با کنترل جمعیت »

۲ – « ایران ، رتبه اول مصرف تریاک در جهان » ، تیتر اصلی هفته نامه سلامت ، دوازدهم آبان ماه ۱۳۸۷

۳ – قبل از ماه رمضان در خیابان نادر جوانی را دیدم که داشت به جوانان رهگذر « شیشه » عرضه می کرد!

۴ – نسیم جنوب ، شماره ۵۹۵ ، مقاله «چه کسی بود صدا زد دشتی»

۵ – « بیست سال پیش یک عده آمدند و گفتند ما باید جمعیت مان را زیاد کنیم ، ایرانی از نظر « کیفیت » که مشکلی ندارد اگر از نظر کمیت هم بالا برود دیگر کار تمام است ، دنیا را می توانیم بگیریم! شروع کردند به برنامه تکثیر خانواده !! اینجا و آنجا چهار تا اعتراض هم که شد یا صدایش را در نیاوردند یا خفه اش کردند . بیست سال گذشت تازه فهمیدند که ... ، این لشکر معصوم و بی گناه که ناخواسته دعوت شده و به این واویلا سرا پا گذاشته اند چه عاقبتی خواهند داشت ؟ » (جامعه شناسی خودمانی ، صفحه ۶۶ ، چاپ بیست و دوم ، ۱۳۸۸) و نیز نگاه کنید به : کتاب « پی نکته هایی بر جامعه شناسی خودمانی » نوشته همین نویسنده ، بخش : انفجار جمعیت .

۶ – همانطور که در خبرها آمده بود ، ما حتی صنایع دستی ایرانی را هم از چین وارد می کنیم ! تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل !

نسیم جنوب
ادب و هنر
شماره ۵۹۸ یکشنبه ۴ مهرماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

شعر جنوب

تصویر شکسته
سید محمد رضا هاشمی زاده

بـی فایده ست اینکه اتـومی کشی مرا
فـریــــــاد می کـنی زگلو می کشی مرا
در من شکست شـور شرابـی که داشتم
اما هنوز هـم بـه سـبو می کشی مرا
من تکدرخت پـیرم وتو در خیال خویش
چون غنچه ها ی باغچه بومی کشی مرا
در دفـتر صمـیمیِ نقاشـیت هـنـوز
مانند گـل، کـنـاره ی جـو می کشی مرا
بشکـسته تـر زنقش نماز مسافرم
دیگر چـرا بـدون وضو می کشی مرا..؟

فهیمه آتیار

برگرد بی تواسمان دل آبی نمی شود
خورشید روزهای من طلایی نمی شود
برگرد بی تو تا ابد رویای من طرحی است
که بی حضور چشمان تو رنگی نمی شود
گلدان اطلسی طاقچه ی دلم بی تو
خزانیست افسرده و بهاری نمی شود
دل عطر نفس های تو را بهانه می گیرد
بیا فاصله دلیل جدایی نمی شود
برگرد باز مرغ دلم بی قرار توست
با تو حتی از قفس هم فراری نمی شود
طنین صدای تو در هوای من جاریست
بگو که آسمان چشم من ابری نمی شود
برگرد من و دل چشم به راه توایبم و دگر
آسمان بدون ماه تو راضی نمی شود
عزیز من این دل فدای مهر نگاه تو
بیا که "غزل" بدون تو معنی نمی شود

زینب علی مرادی - دیلم
برای سواحل زیبای خلیج فارس

بازهم به هم رسیدیم
من و تو
تنها
با خاطرات قدیمی یمان
وتو مثل همیشه
پاکی و زلال
و اما من سرشار از بدی ها ی آدمیت

به اوج ! به پرنده و پرواز !
نجمه زارعی

ناگهان باید
سرم به سنگ خورده باشد
مخصوصا که کلاهی از سری برداشته
یا برعکس!
کلاهم را ...
کسی که دیوانه ای باشد
سرش به خودش گرم
و عمیقا سعی به فراموشی ام کرده باشد
کند!
علی الخصوص در شهری بی فرودگاه
زاده شده باشم
که چیزهای عجیبی به سرم فرود آمده
تیریِ کشیده باشی از درد
اتفاقاً کمانه کرده باشم
برگردی به خودت
فرو روی !
در فرو رفتنت هزار فکر مثل خوره
مخت را ...
که نفهمی از کجا خورده ای
و درهمسایگی پرنده ای باشی
که بالهایش را ...
بیخود به انتظار ایستاده ای
هیچ اتفاق خوبی در این شعر
نیفتاده نمی افتد!
روی هم رفته
حالم برای پرنده شدن
هیچ مساعد نیست !!

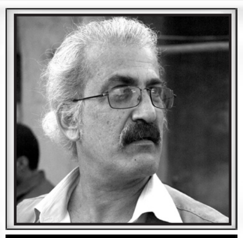
تمدید من و تو
افسانه بهمنی

بیتاب
مضطرب
از سمت همیشه های سرسبز
با ترانه های خاموش
آمدم
بی بهانه تر از یک لبخند
تا بر آیینه ی صداقتت
جاری شوم
آیینه ای که انتهای خوبی ها را تمدید می کند
من پر از هنوزهای بی تردیدم
تا یک بار دیگر در مشرق چشمانت طلوع کنم
در فصلی که خوبی ها تکرار می شوند.
و این لبخند آزادی است
تمدید من و تو!!!

به مناسبت مهرماه، شروع مجدد درس و مدرسه

"غلو" علف خوار

به یاد استاد همیشه زنده ، منوچهر آتشی


پرویز هوشیار

در نشستی دوستانه و خانوادگی، زنده یاد استاد آتشی هنگام صرف شام به سوالات اعضاء خانواده پاسخ می داد، شبی بیاد ماندنی بود چون استاد، روحیه ی خوبی داشت. چند شعر تازه اش را خواند و سپس واگویه خاطره ای کرد و گفت این سرگذشت کاملا واقعی است. چندین بار دیگر به مناسبت های مختلف ، خاطره را خلاصه و تکه تکه باز گو کرد و از من خواست که اگر توانستم ، خاطره را به هر شکل می خواهم بنویسم. پس از گذشت چند سال از نبود جسم و کالبد استاد در بین ما، آن خاطره را نوشتم که تقدیم خوانندگان عزیز می شود، امید اینکه مقبول افتد. در خاطره تغییراتی داده شده اما به اصل موضوع خدشه ای وارد نه شده است. نام ها به انتخاب نگارنده انتخاب شده و هرگونه شباهت با نام کسی سهوی و از روی اتفاق است.

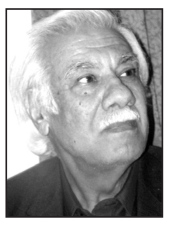


برروی زمینی" سبخ زار"، به فاصله نه چندان دور از حومه ، نزدیک شهر ، مدرسه‌ای به شکل اکثرمدرسه‌های اداره‌ی فرهنگ ، ناهمگون با سایر خانه ها بنا شده ، مدرسه‌ای یک طبقه با پانزده اتاق در دو ردیف روبروی هم ، که راهروئی سه متری اتاق هارا از هم جدا کرده است .
اولین اتاق ، اتاق مدیر مدرسه است ، اتاقی که دری کوچک آنرا به اتاق معلم ها مرتبط کرده و روبروی آن ، اتاق نا ظم هاست که پر از خرت و پرت‌های مدرسه، (کره‌زمین، چند نقشه و کتابهای درسی اضافی و وسائل مفقود شده، گچ و تخته پاک کن و ترکه‌های تراشیده شده از چوب انار و گز) است. گوشه‌ای از اتاق، جائی کوچک بعنوان آبدارخانه جدا شده و مستخدم وسائل چای و پذیرائی خود را در آن جاداده است . کلاس های درس بعد از اتاق معلمین و ناظم‌ها شروع شده ، کلاس اول۱و کلاس اول ۲ روبروی هم قرار گرفته و تا انتهای راهرو باکلاس ششم ۱ و کلاس ششم ۲خاتمه می یابد .
کلاس ها در یک شکل و اندازه و شبیه هم ساخته شده و سکوئی به درازای عرض کلاس در جلو کلاس ها ساخته شده و در وسط سکو بر روی دیوار ، تخته سیاه در جائی نصب شده تا دست دانش آموزان به آن برسد، در زیر تخته سیاه لبه ای برآمده اضافه شده که جای گذاشتن گچ وتخته پاک کن است و در انتهای سکو میز کوچک چوبی با صندلی فلزی رنگ و رو رفته ا ی برای معلم ها گذاشته شده است
کلاس چهارم ۱ در وسط ردیف سمت راست کلاس هاقرار دارد ، با سه ردیف نیمکت که جای نشستن دانش آموزان است . کلاس از یک طرف با سه پنجره ی چوبی بلند به حیاط پشتی مدرسه مشرف است و نور کلاس از آنجا تامین می شود ، چندتا از شیشه ی پنجره ها شکسته شده وآنها را با مقوا پوشانده اند تا از ورود سرما و حشرات جلوگیری کنند. بالای تخته سیاه عکسی از شاه در قابی رنگ و رو رفته به میخی آویزان است، روی دیوارهای دو طرف طول کلاس پر از نقشه و کارهای دستی دانش آموزان بطور نامرتب، با پونز و میخ به دیوارها نصب شده وپائین دیوارا خطوطی خرچنگ قورباغه ، شعر ، تقلب و فحش نوشته شده که کلمات فحش ها با شئی نوک تیز کنده شده تا کسی نه تواند آ نها را به خواند . سقف کلاس با "بلیوهائی" که با چند "چندل" مهار شده ، پوشیده شده تا دانش آموزان را از سنگینی آسمان و بارش باران های دم اسبی زمستان و بهار محافظت کنند. تخته سیاه که گذر زمان رنگ آنرا پاک کرده و نوشته های قبلی روی آن مانده ، "اسپهک" شده است . تخته پاک کن چوبی دسته دار که نمدی تیره رنگ روی آن چسبیده ، روی لبه پائینی تخته سیاه گذاشته شده است .
باصدای زنگ ، همهمه ای در راهرو بلند می شود. دانش آموزان با جیغ و داد از هم پیشی می گیرند و گاهی با هم برخورد می کنند ، برخی آرام و بدون سروصدا خودشان را به کلاس می رسانند. ناظم ها دائم ترکه ای را که در دست دارند در هوا تکان می دهند و با فریاد، نهیب و فحش ، بچه ها را می ترسانند. تا آمدن معلم ، بچه ها از سروکول هم بالا می روند و برخی با موشک های کاغذی همدیگر را نشانه می گیرند. اما در وسط نیمکت اول ردیف دوم، دانش آموز لاغر، زردانبو، کوتاه قد و استخوانی و کم حرفی نشسته ، سرش در لاک خودش است و به کتابش خیره شده و هر وقت هم کتاب نمی خواند ، بی هدف به نقطه ای نامعلوم خیره می شود ، سر و وضع چندان مناسبی ندارد و لباس هایش از دونفری که در سمت چپ و راست او نشسته اند کهنه تر و رنگ و رو رفته تر است.
مبصر کلاس با قدی دراز و موهای مجعد که از مردودین سال قبل است، روی سکو کنار تخته سیاه ایستاده و با صدای بلند بچه های کلاس را به سکوت فرا می خواند و اسم بچه هائی را که شلوغ می کنند روی تخته سیاه می نویسد. وقتی اخطارها و تهدیدهایش موثر واقع نه می شود مجبور می شود با آنها از در دوستی در آید، گاهی هم خواهش و التماس می کند، تا بچه ها ساکت شوند. صدای پای معلم که شنیده می شود همه ساکت می شوند، مبصر با عجله اسامی نوشته شده روی تخته سیاه را پاک می کند و با ورود معلم به کلاس با صدای بلند و محکم برپا می گوید ، بچه ها مرتب پشت نیمکت هایشان می ایستند و با برجائی که معلم می گوید همه می نشینند ، معلم طول سکو را چند بار قدم می زند و هر بار در چرخشی که می کند بچه ها را از نظر می گذراند، کوچکترین صدائی از کسی بلند نمی شود، مثل اینکه این همان کلاسی نیست که تا چند لحظه قبل سروصدای دانش آموزانش گوش فلک را کر کرده بود. معلم پشت میز می نشیند دفتر حضور و غیاب را باز کرده و اسامی دانش آموزان را به ترتیب دفتر می خواند. کسی غائب نیست، دفتر را می بندد و در کشو می گذارد. اوراق امتحانی تصحیح شده را از گوشه میز برداشته و شروع به خواندن اسامی دانش آموزان ونمرات آنها می کند.
"احمد ماهینی ۱۲، عبدالحسین کتوئی ۱۶، ماشاالله کاکی پور -۸- ، جعفر کاردانی ۱۴، غلامرضا سنگتراش ۱۸/۵ ، حسین کاظمی ۱۳ و... "
با خواندن نام هر نفر ، دانش آموزی بلند شده و به طرف میز معلم رفته و ورقه اش را از دست معلم می گیرد، اگر نمره اش خوب نبود ،معلم بد و بیراهی حواله او می کند: "حمال بی شعور، حیف نون، ای شد نمره، بدبخت بیچاره می خوای مثل بوات بشی."
و اگر نمره ی دانش آموز ی خوب بود او را تشویق کرده، آفرین و بارک الهی می گوید : " بد نبود بیشتر دقت کن، "
معلم وقتی به اسم غلامرضا سنگتراش می رسد مکثی می کند ، حالت چهره اش تغییر کرده ، قیافه ی طلبکارانه گرفته ودانش آموزان را خطاب قرار داده و می گوید : " خاک پای سنگتراش تو سرتون، جثه اش نصف شما نیس، از اکثر شما هم امکاناتش کمتره، اما همیشه نمره هاش از همه تون بهتره، بدبخت ها لااقل از ای بچه یاد بگیرین، آفرین، براوا، حالا همه تون کف بلندی براش بزنین ."
بچه ها ناراحت از فحش خوردن و سرکوفت زدن های معلم، ناراضی و با اکراه دست می زنند. سنگتراش سرخ شده ، زرد شده و از خجالت سرش را بالا نمی آورد، ورقه اش را گرفته و سرجایش بر می گردد.
با خواندن نمرات دانش آموزان، معلم درس جدید را شروع می کند ، درس جدید اعداد کسری است ، تخته سیاه چند بار از نوشتن های معلم سیاه می شود و دانش آموزانی که ردیف جلو نشسته اند به نوبت تخته سیاه را پاک می کنند. معلم اعتنائی به فهمیدن یا نفهمیدن مطالبی که می گوید ندارد، کارخودش را می کند. زنگ تفریح زده می شود، معلم دفتر حضور و غیاب را برداشته از کلاس بیرون می رود. بچه ها مثل مرغی که از قفس آزاد شده باشد، از سروکول هم بالا می روند و در بیرون رفتن از کلاس از یکدیگر سبقت می گیرند. تعدادی از بچه های ته کلاس از روی نیمکت ها، خودشان را به جلو رسانده تا بیرون بروند، گاهی نیمکتی" لمبر" انداخته و دانش آموزی سرنگون می شود. تعدادی از بچه ها دور سنگتراش جمع شده و هر کس چیزی می گوید:" آخه تو چطوری می خونی، که ای نمره ها می گیری؟ تو که تو خونه تون برقم ندارین، چطوری می تونی با فانوس درس بخونی و ای نمره ها بگیری."
یکی دیکر از بچه ها با اعتراض می گوید :" گدا گشنه اگر تو خر خونی نکنی و ای نمره ها نگیری ، معلم هم به ما سرکوفت نمی زنه . "
یکی از بچه های شر کلاس که با سرعت در حال بیرون رفتن از کلاس است، پس گردنی محکمی به سنگتراش می زند و غرو و لندی که بیشتر شبیه فحش دادن است نصیب سنگتراش کرده و دور می شود.
با شروع کلاس بعدی ، معلم به کلاس آمده ، از روی کتاب فارسی شروع به خواندن می کند .
سر نیمکت ، سمت راست سنگتراش، حسین تنها دوست او نشسته ، سرووضع و رنگ و روش از سنگتراش و خیلی از بچه های کلاس بهتر است. "حسین کاظمی" دوسال است با سنگتراش هم کلاس است، سنگتراش توخودش فرو رفته و توجهی به درس دادن معلم و حضورحسین ندارد. حسین بدون توجه به معلم ، سرش را به طرف سنگتراش کج کرده و آهسته می گوید: "غلو" توخیلی می خونی که می تونی ای نمره ها بگیری؟ موچند بار درسا رو دوره میکنم ، اما بازم نمی تونم مثل تو نمره خوب بگیرم. ننم گفته اگه نمره هام خوب بشه می برتم شهر و برام کفش ورزشی می خره، اما هر چی بیشتر درس می خونم بازم نمره هام بهتر نمی شه ، راسی دلم می خواد چند روز بیام خونه تون و باهات درس بخونم، شاید نمره هام بهتر بشه. "
سنگتراش تنها با تکان دادن سر جواب حسین کاظمی را می دهد و سعی دارد به او نگاه نکند و از جواب دادن طفره می رود، به معلم زل زده وبرای فرار از جواب دادن به کاظمی ، سعی می کند خودش را مشغول گوش دادن به حرف های معلم کند تا کاظمی دیگر درخواسش راتکرار نکند، اما کاظمی کوتاه نمی آید وزیر لب چیزهایی می گوید ، سنگتراش عصبی شده و بی اختیار پاهایش را تکان می دهدو بی هوا مثل کسی که بغضش بترکد، با صدای بلند و غیر متعارف می گوید:" باشه ، اما مومیام خونه تون !. "
بچه های کلاس سرشون به طرف سنگتراش برگشته و با تعجب به او نگاه می کنند اما نه معلم ونه دانش آموزان چیزی نمی گویند.
سنگتراش هر روز رنجورتر و رنجورتر شده و رنگ و رویش زردتر می شود، یک روز زنگ ورزش کنار زمین غش می کند، بچه ها ناظم را خبر می کنند، سنگتراش دراز به دراز روی زمین افتاده و بچه ها دورش حلقه زده اند. ناظم دستپاچه می شود و یکی از بچه ها را صدا می کند: "بدو کمی قند و یک لیوان آب بیار. "
ناظم که ترسیده ، آب قند ساخته به سنگتراش می دهد ، پس از چند دقیقه حال سنگتراش کمی بهتر می شود. ناظم خم شده و آهسته از سنگتراش می پرسد: "سنگتراش مریضی؟ صبحونه خوردی؟ چرا ای قدر بی حالی؟" چته ؟راسشو بگو .
یکی از بچه ها که بغل ناظم ایستاده می گوید: " آقا سنگتراش صبحا تنها نون و چای می خوره ، ظهرا م بیشتروقتا ، غذاشون نون و ماسته."
یکی دیگر از همکلاسی های سنگتراش رو می کند به ناظم و می کوید : "آقا اجازه ، بچه ها میگن بعد ازظهرا که سنگتراش از مدرسه می ره خونه تو راه خونه شون از درخت ها بالا می ره و برگ درخت می خوره."
ناظم براق شده و رو می کند به سنگتراش که هنوز حالش سر جاش نیامده و می گوید: " سنگتراش ، اینا راس میگن برگ درخت می خوری !؟ چرا؟ چه برگی می خوری؟ مگه می شه برگ درختم خورد؟!
سنگتراش که هنوز حالش جا نیامده، چشمهایش را باز و بسته کرده ، جوابی نمی دهد، یعنی حالی ندارد که جواب بدهد ، سرش گیج می رود وهمه بچه هائیکه دورش حلقه زده اند دور سرش می چرخند، دوباره چشمایش را می بندد و برای مدتی تکان نمی خورد. مدتی که می گذرد آرام آرام چشمایش را باز می کند، هنوز حالش جا نیامده ، احساس ضعف می کند، به کمک چند تا از هم کلاسی هایش به طرف کلاس برده می شود.
با شروع فصل پائیز و باز شدن مدرسه هاو گذشتن چند هفته از آغاز کلاس ها، یک روز صبح زنگ دوم ، مدیر مدرسه ، سنگتراش را صدا می کند و مثل هر سال بعنوان دانش آموز نمونه و نیازمند، لباس و لوازم التحریر اهدائی اداره فرهنگ را به او میدهد. لباس های اهدائی اداره فرهنگ شبیه لباس" سوفور"ا ست، با پارچه ای کلفت پشمی به رنگ خاکستری و آستری شبیه گونی با دو جیب بزرگ بغل و یک جیب کوچک ، بالا و جلو سمت راست کت با دکمه های زمخت بد رنگ که چون سری دوزی شده اند برای بیشتر بچه هائی که می پوشند ، بزرگ و یا کوچک اند و به تن آنها زار می زنند ، اما بچه های مستحق و بی بضاعت مجبورند قبول کنند و بپوشند چون چیز دیگری برای پوشیدن ندارند، سنگتراش همیشه احساس می کند همه دارن به لباس هایش نگاه می کنند و به او می خندند. احساس سرافکندگی و نفرت می کند.
با تعطیلی مدرسه ، بچه ها با عجله و سروصدا از مدرسه بیرون می آیند و هر کس به طرف خانه خودش می رود. اگر حضور ناظم ها و برخی معلم هادر بیرون مدرسه نباشد، بچه ها آنقدربا هم دعوا می کنند تا خسته شوند ، برخی هم خونین و مالین به خانه اشان می روند.
سنگتراش آرام و بدون سروصدا همراه دوستش کاظمی ، مسیر همیشگی خانه ا شان را پیش گرفته ، دور می شوند ،اگر هم یکی از بچه های فضول مدرسه سنگتراش را اذیت کند ، عکس العملی از خودش نشان نمی دهد. کاظمی گاهی به پشتیبانی سنگتراش به آنها اعتراض می کند و حتی گاهی شکایت آنها را پیش مدیر می برد. آنها وقتی به کوچه ای که خانه کاظمی قرار گرفته ، می رسند ، مکثی کرده. گپی مختصر می زنند و بعد از هم خداحافظی کرده جدا می شوند.
پدر سنگتراش ، سنگتراش است. از" سنگ درارهای" اطراف محل سکونتشان سنگهای محلی بیرون آورده، تراشیده و می فروشد و خرجی زندگی اشان را از این طریق تامین می کند. او صبح زود از خانه بیرون می رودو تا شب بر نمی گردد ،شب ها هم که بر می گردد آنقدر خسته و کوفته است که رمق جواب دادن به سلام بچه ها را ندارد، هر چه به عنوان شام جلوش گذاشتند می خورد و سرشب می خوابد.
یک روز معلم ورزش غیبت می کند، مدیر کلاس را تعطیل کرده از" بچه ها می خواهد، بدون سروصدا مدرسه را ترک کرده به خونه ها شون برند .
بچه ها از ترس مدیر و نا ظم ها ، بدون سروصدا از مدرسه بیرون آمده به طرف خانه شان می روند ، کاظمی همراه سنگتراش از مدرسه بیرون می آید ، در راه سنگتراش برای اولین بار سر صحبت را باز کرده و درباره شهر، سینما ، مغازه ها و کشتی صحبت می کند و می گوید : "حسین ، خیلی دلم می خواد یه روز برم شهر ، اما همیشه تا اسم شهر می آرم ننم مخالفت می کنه."
به کوچه ای که خانه کاظمی آنجاست ، می رسند ، مثل همیشه مکثی می کنند. اما مثل اینکه کاظمی قصد خداحافظی ندارد ، نگاهی به سنگتراش کرده و می گوید: " مو امروز می خوام بیام خونه تون ."
حسین بدون توجه به نظر سنگتراش به طرف خونه آنها راه می افتد.
نزدیک خانه سنگتراش چند تا درخت بلند است ، وقتی به درخت ها می رسند ، سنگتراش مکثی کرده و تو فکر فرو می رود، بعد کتابهایش را زیر یکی از درخت ها گذاشته و از درخت بالا می رود. روی یکی از شاخه های درخت می نشیند و شروع به کندن برگ های سبز سر شاخه ها می کند. تند تند آنها را در دهانش گذاشته و می خورد. کاظمی گیج و منگ به او نگاه می کند، سنگتراش بعد از چند دقیقه از درخت پائین می آید ، لباسهایش را می تکاند و مثل کسی که کار خطائی کرده ، سرش را زیر انداخته و به زمین نگاه می کند. کاظمی که هنوز گیج و مبهوت است می گوید: "غلو چیکار می کردی ؟"
سنگتراش دست تو جیبش می کند و کمی برگ درخت در آورده و به کاظمی می دهد، اما کاظمی متعجب به او نگاه می کند و می گوید: "مگه کسی برگ درخت هم می خوره ، پس بچه ها راس می گن که تو برگ درخت می خوری."
سنگتراش که اصلا توجهی به حرف های کاظمی ندارد و بدون معطلی برگ ها را تو دها نش می گذارد و با ولع می خورد.
روزها می گذرد ، دوستی کاظمی و سنگتراش بیشتر و بیشتر می شود، فصل پائیز به پایان می رسد و زمستان شروع می شود ، زمستان با خودش سرما می آورد و بچه ها صبح ها از ترس باران و خیس شدن دفتر و کتابهایشان ، آنها را داخل پلاستیک گذاشته و به مدرسه می روند.
سنگتراش هر روز ساکت تر شده و تو خودش گم می شود ، کمتر با کسی حرف می زند ، لباسهای اهدائی به اوکم کم سائیده شده از شکل می افتند ، ، کفش" دانلاپش" چرک مرده شده و چند جایش پاره شده است. یکی ازروزهای آفتابی که مدرسه تعطیل می شود، سنگتراش با کاظمی از مدرسه بیرون می آیند. در مسیر رفتن به خانه ، سنگتراش رو می کند به کاظمی و می گوید: "حسین، مو امروز می خوام برم شهر، توهم اگه خواستی می تونی با موبیای، اگه هم نیای خودم تنهائی می رم شهر."
و بدون توجه به نظر کاظمی به طرف شهر راه می افتد. برای رفتن به شهر مجبوراست از جلو عمارت بزرگی که محل زندگی صاحب منصب های انگلیسی است بگذرند، می روند تا به نزدیکی عمارت انگلیسی ها می رسند ، نزدیکی عمارت انگلیسی ها ، سنگتراش قدم هایش آهسته شده و طوری جلو می رود که کاظمی تصور می کند از سگ می ترسد.
سگ های عمارت انگلیسی ها خیلی بزرگ، وحشتناک و بی رحم اند، از ترس آنها کسی جرات نمی کند شب ها از آن طرف ها رد شود، بهمین خاطر روزها آنها را می بندند و شب ها زنجیرهایشان را باز می کنند تا از عمارت محافظت کنند . روبروی در عمارت ، سنگتراش چهره اش در هم شده و به نظر عصبی و متشنج می رسد، لرزشی ناخواسته در بدنش می افتد، با ترس ونفرت، زیر چشمی به سگ ها که دو طرف در عمارت زنجیر شده ا ند نگاه می کند، سگ ها مشغول خوردن غذا ، که درظرف مخصوصی ریخته اند هستند و توجهی به اطراف ندارند . حالت چهره سنگتراش در یک لحظه تغییر می کند و آهسته خم شده سنگی نسبتا بزرگ برداشته و با تمام قدرت به طرف سگ ها پرت می کند. سنگ به پای یکی از سگ ها می خورد، سگ شروع به پارس کردن می کند. سنگتراش بدون توجه به کاظمی پا به فرار می گذارد. کاظمی بی اختیار او را دنبال می کند ، وقتی از عمارت دور می شوند. کاظمی که خسته شده و به هن و هن افتاده ، می ایستد و رو می کند به طرف سنگتراش و می گوید: " هی غلو ، مگه مرضی داشتی، چت بید یک دفه ترقه شدی، ای بدبختا که با ما کاری نداشتن. مشغول خوردن غذاشون بیدن."
سنگتراش بدون اینکه سرش را برگرداند، باعصبانیت و فریاد می گوید : " سگای انگلیسی باید گوشت بخورن و موی بدبخت بایس برگ درخت!!"

غلو: مصغر شده غلامرضا
سبخ زار : زمین شور ، شوره زار
چندل : تیر چوبی مقاوم که از افریقا می آوردند و به جای تیر آ هن استفاده می شد
اسپهک : زشت ، کدر
بلیو: بوریا ، حصیری با بافت خاص
سوفور : سوپور ، رفتگر
سنگ درار : معدن سنگ ، محل استخراج سنگ محلی
دانلاپ :کفش کتانی چینی با رویه سفید و کف سبز وارزان قیمت

درباره شعر

تقلید در شعر؟
عبدالمجید زنگویی



تقلید در هر نوع هنر و از جمله شعر فاقد ارزش است و نمره و اعتبارش را بسیار پایین می‌آورد. در هنر امتیاز از آنِ مبتکر و مبدع و نوآور است. در شِعر هم که یکی از شاخه‌های هنری است تقلید همین حالت را دارد و بزرگترین دشمن شعر است. گاهی می‌بینیم که شاعری از شاعر پیش از خود یا معاصرش اقتفا یا تضمین و با برداشت اندیشه‌ای می‌کند یا جمله، مصراع یا بیتی را با ذکر مأخذ برداشت کرده و با تغییرات، دگرگونی و رنگ و بویی تازه و یا به شکل دیگر بیان می‌کند چه بسا که با این دگرگونی بیتی یا شعری زیباتر و آراسته‌تر از گذشته ارائه دهد و به اصطلاح آن را صیقل دهد (همان کاری که از حافظ می‌بینیم) که نمونه‌هایش در ادبیات و شعر پارسی، از کلاسیک گرفته تا به امروز بسیار و بسیار دیده‌ایم. که البته این جریانات با تقلید تفاوت بسیار دارد. در ادبیات و هنر هیچ کس تقلید را توصیه نمی‌کند. ولی تضمین و اقتفا چیر دیگری است و بسیار هم معمول و متداول.
ماندگاری شعر: ماندگاری شعر شرایط و ابزاری لازم دارد که بدون آنها جایی از کار می‌لنگد. ابزار و اسباب و عناصر ماندگاری شعر بطور خلاصه عبارتند از: نوآوری و ابتکار، برگزیدن واژگان و جملات مرتبط با هم، اندیشهٔ، نو و خوب و پویا، تخیل بالا، شجاعت و شهامت در بیان مقصود و نقد ، دوری جستن از تقلید و کهنه گرایی و مضامین تکراری، بهره جویی از صنایع شعری و بدیعی به جا، اهمیت دادن به محتوای شعر، با زمان پیش رفتن و خود را از مردم دانستن، دوری جستن از تعقید لفظی و معنوی و عیوب شعری، دوری گرفتن از مدح و ستایش ناروا، زبان پاک و عفیف داشتن ، تشبیهات زیبا و امثال اینها.

موسیقی محلی بوشهر

تهرانی‌ها مهمان نواهای شاد موسیقی بوشهر می‌شوند



کنسرت گروه موسیقی بوشهری لیان به سرپرستی محسن شریفیان ۸ مهرماه در تالار وحدت برگزار می‌شود.
محسن شریفیان سرپرست گروه موسیقی لیان اظهار داشت: به دنبال آخرین اجرای گروه در تالار وحدت که دو سال پیش با استقبال زیاد مردم مواجه شد، این کنسرت را به خوانندگی آکا صفوی تنها یک شب برای مردم پایتخت اجرا خواهیم کرد. وی ادامه داد: هدف ما از این اجرا آشنا کردن مردم تهران با یکی از شادترین گونه‌های موسیقی و زنده کردن موسیقی جنوب ایران در پایتخت است.
این نوازنده نی‌انبان در خصوص قطعات اجرایی در این کنسرت افزود: در این اجرا ۱۴ قطعه از آلبوم‌های گروه را در سال جاری از جمله محله خومونی و پارو پیرار را به خوانندگی آکا صفوی هنرمند جوان می‌نوازیم البته در این کنسرت گریزی نیز به خیام خوانی و رقص سازهای کوبه‌ای جنوب خواهیم داشت.
شریفیان با اشاره به اعضای گروه لیان بیان داشت: سعی من براین است که هر روز اعضای گروه جوان‌تر شوند و با معرفی آنها به جامعه هنری نشان خواهیم داد که موسیقی نواحی در قشر جوان نیز جریان و بسیار مورد توجه قرار دارد.
وی اظهار داشت: من بسیار خوشحالم که همواره توانسته‌ایم با مخاطبان داخل و خارج ارتباط برقرار کنیم.
شریفیان ابراز امیدواری کرد که تالار وحدت در این اجرا همکاری لازم را با گروه داشته باشد چرا که در آخرین اجرای این گروه که دو سال پیش برگزار شده بود، به دلیل عدم همکاری مناسب، اعضا در اجرا دچار مشکل شده بودند.
کنسرت گروه موسیقی لیان با همکاری انجمن موسیقی ایران ۸ مهرماه ساعت ۲۰:۳۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

تقدیر معاونت برنامه ریزی استانداری از ریاست حوزه هنری استان بوشهر

معاونت برنامه ریزی استانداری بوشهر طی حکمی ، مراتب تقدیر خود را از ریاست حوزه هنری بوشهر اعلام داشت .
رسول زارعی معاونت برنامه ریزی استانداری ضمن اشاره به دهه ی عدالت و پیشرفت و در سالی که به همت مضاعف و کار مضاعف مزین شده است از تلاشهای صورت گرفته حوزه هنری در جهت تحقق اهداف توسعه و ارتقاء سطح کیفی برنامه ها و اقدامات انجام گرفته قدردانی نمود.

موفقیت فیلم "همنوا با زینب (س)" در جشنواره تاک

فیلم مستند " همنوا با زینب (س) " کاری از واحد فیلم حوزه هنری استان بوشهر ، به کارگردانی عبدالرسول آذرشب موفق به دریافت تندیس بهترین صدابرداری در دهمین جشنواره منطقه ای سینمای جوان کشور " تاک " گردید .
صدابرداری این مستند که به سوگواری زنان در بوشهر می پردازد را " داریوش اعتمادی " به عهده داشته است .

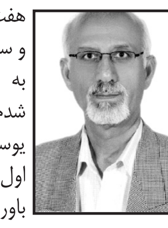
آثار هنرمند عکاس حوزه هنری بوشهر در دو جشنواره

آثار هنرمند عکاس سرکار خانم هانیه محسنی زاده از اعضای کارگاه عکس حوزه هنری بوشهر ، به جشنواره رشد راه یافت. این ۲ اثر ، در نمایشگاه جشنواره عکس رشد به نمایش گذاشته خواهد شد. همچنین به گزارش واحد عکس حوزه هنری بوشهر ، ۷ قطعه عکس از آثار هنرمند عکاس دیگر این کارگاه ، جهت شرکت در سومین مسابقه عکاسی " سفره های افطار " که در تهران برگزار می شود نیز به دبیرخانه ی این مسابقه ارسال گردیده است . لازم به ذکر است ، کارگاه عکس حوزه ضمن آموزش و جذب هنرمندان علاقمند به این رشته ، توانسته است مقام ها و عناوین متعددی را توسط هنرجویان خود در جشنواره های ملی کسب نماید .

با زحمتکشان تعلیم و تربیت

باز یاد خوبی، مهربانی و اعتماد

ابراهیم گرمساری
کارشناس زبان ادبیات فارسی - دبیر بازنشسته بوشهر



هفت ساله بودم که با لباس تمیز و سر و روی شسته، با موی کوتاه به مدرسه سعدی سعدآباد وارد شدم. خدایش رحمت کناد سید یوسف محمدی، آموزگار کلاس اول ابتدایی این دبستان، مردی باورمند و در کارش کوشا و جدی بود و هیبتی خشن داشت. او کسی بود که دست ما را می گرفت و پا به پا می برد تا شیوه راه رفتن بیاموزیم و یک حرف و دو حرف بر زبانمان می نهاد تا گفتن بیاموزیم و خلاصه اینکه ایشان الحق والانصاف سزاوار "قد صیرنی عبدا" می باشند و من هم یکی از شاگردان قدرشناس آن زنده یادم.

کلاس های دوم، سوم، تا ششم ابتدایی در همین مرکز آموزشی با توفیق الهی گذشت. معلمان بسیار خوبی داشتیم که واقعاً زحمت می کشیدند و با تحمل کمبود ها هرگز کم کاری از ناحیه هیچ کدامشان دیده نمی شد.

نمی دانم کدامشان در قید حیات اند اما برای همه طلب آمرزش دارم عزیزان بزرگوار معلمان دارالعلم سعدی سعدآباد در آن دوران آقایان: رضوانی، محمدی، متفف، حداد با خدایی ادراکی و مرحوم سید رضا علی رضوی دشتی یاد و خاطره شان گرامی باد.

بخشی از دوره متوسطه (سه سال اول) که به سیکل اول شناخته می شد در دبیرستان احمدی شیراز گذشت که مرحوم میرزا احمد صالحی و آقای ذوالریاستین از دبیران نامی این دوره را به یاد دارم و سیکل دوم در دبیرستان فرخی برازجان در رشته ادبی بودم. چند ماهی بعد از دیپلم به مرکز پیاده شیراز در گروهان سپاه دانش اعزام شدم و سپس در بخشی از استان ایلام به آموزش نوسوادان مشغول شدم. در پایان خدمت سربازی با عنوان آموزگاری در استان لرستان سه سال خدمت نمودم و در سال ۱۳۴۹ به شهرستان آبادان منتقل شدم و در تربیت معلم آبادان به تحصیل دوره کاردانی مشغول شدم. همزمان در سال ۱۳۵۱ در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه جندی شاپور اهواز شدم و در سال ۱۳۵۵ که فارغ التحصیل در این رشته شدم به آبادان انتقال یافتم و تا سال ۱۳۶۰ در آنجا ماندم. از سال ۱۳۶۰ به شهرستان بوشهر با عنوان دبیری منتقل شدم و در سال ۱۳۷۷ به افتخار بازنشستگی نایل آمدم. همه ی این سالهای یاد شده پر خاطره و با افتخار گذشته است و دوران تحصیل و همچنین دوران تدریس را با خوشی و شیرینی یاد می کنم که چه خوب گذشت.

آن چه از دوران تحصیل و تدریس باز یاد می شود خوبی، خوشی، مهربانی و اعتماد و آرامش بوده است که سرمایه ای عظیم است و ماندگار. مهم تر و پر افتخار تر از همه این محصولات علمی و فرهنگی جامعه است که در برخورد با هرکدامشان و تجدید خاطرات خوب و جاودانه شان به من امید و شایستگی ارزانی می دارند.

وقتی در محلی یکی از دانش آموختگان خود را می بینم که به توفیقی نایل شده است، قلبا برخود می بالم و با غرور و افتخار با او به گفتگو می نشینم. آن چه داریم و آن چه لازم داریم همین نسل نجیب و تحصیل کرده و سازنده امروزی است که زمانی نوجوانی تشنه و جوینده بوده و امروز نشئه و دارنده شده است و مدال افتخاری بر سینه پر مهر و محبت من معلم می باشد.

شغل معلمی خیلی مقدس است
او در لباس فخر زیرا ملبس است

با تبریک و شاد باش آغاز سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به همه ی دانش دوستان محترم.

دانش آموزان خلاق را بشناسید

عباسعلی زنده بودی



هر چند بسیاری از ویژگی های کلی افراد خلاق، کمابیش شامل دانش آموزان نیز می گردد اما تأکید اصلی، پرورش خلاقیت دانش آموزان در کلاس درس می باشد. بنابراین لازم است مهم ترین و شاخص ترین ویژگی های فکری و رفتاری دانش آموزان خلاق که معمولاً در محیط مدرسه و کلاس درس مشاهده می شود مورد بررسی قرار دهیم.

- محیط مدرسه و کلاس به خودی خود رفتارهای ویژه ای را در دانش آموزان خلاق ایجاد می کند که ممکن است دانش آموز آنها را در محیط منزل یا محیط های دیگر نمایان نسازد و یا به گونه ای متفاوت نشان دهد.
- بسیاری از رفتارهای دانش آموزان خلاق، خاص محیط تحصیلی آنهاست و از لحاظ نوع و شدت با خصوصیات سایر افراد خلاق متفاوت است.
- آشنایی با خصوصیات بارز دانش آموزان خلاق به معلم امکان می دهد تا بتواند آنها ر ا بهتر شناسائی کند و به برنامه ریزی جهت تقویت، پرورش، تغییر و اصلاح موارد لازم بپردازد.

به طور کلی دانش آموز خلاق غالباً از طریق خصوصیات و رفتارهای زیر قابل شناسائی است:

۱- ایده ها و نظرات خود را بدون ترس در کلاس مطرح می کند. ۲- معمولاً برای مسائل راه حل ها و پاسخهای متفاوت از سایر دانش آموزان ارائه می کند. ۳- تمایل زیادی به تغییر نظرات معلم و یا مطالب کتاب دارد. ۴- در کلاس اغلب سوالاتی غیر عادی و گاه عجیب و غریب می پرسد. ۵- انتقادگر است و هر نظر یا عقیده ای را به راحتی نمی پذیرد. ۶- معمولاً در کلاس درس با آب و تاب صحبت می کند و سعی می کند ایده هایش را با جزئیات کامل شرح دهد. ۷- از اطلاعات عمومی زیادی برخوردار است و سعی می کند که از آنها استفاده ی علمی و کاربردی کند.

۸- دارای ابتکار است و غالباً ایده ها و پاسخ های منحصر به فرد ارائه می کند. ۹- بسیار فعال است و غالباً در آن واحد چند طرح و ایده در زمینه های مختلف را در سر می پروراند. ۱۰- آمادگی طرد شدن و عدم تأیید از طریق دیگران را داراست. ۱۱- در نفوذ و تأثیرگذاری بر دوستان خود از توانائی زیادی برخوردار است.

۱۲- به مطالعه ی موضوعات مختلف وگوناگون علاقمند است و زمان قابل توجهی را به این امر اختصاص می دهد. ۱۳- به فعالیت های هنری علاقه ی زیادی دارد و در این زمینه تجربه و مهارت دارد. ۱۴- علاقه زیادی به نقاشی و ترسیم افکار و ایده های خود دارد.

خاطره معلمی

لذت یک خاطره ی فراموش نا شدنی

خورشید فقیه



باز مهر ماه از راه رسید تا جائی بنام مدرسه، جان تازه ای بگیرد و در پایان امتزاج اجباری علافی های کسل کننده تابستان و آغاز جنب و جوش های شور انگیز و بعضا اضطراب آور پائیزی، حرکت های ناایستائی بنام آموختن و آموزش دادن ، باز هم تکرار شود و هویت هایی با اعتبار نام شاگرد ومعلم ، عینیت دو باره ای یابد.

باز مهر ماه از راه رسید تا همراه با موج رنگارنگی لباس ها و سیمای معصومانه کودکانی که به تنهائی و یا دست در دست پدر و مادری مهربان، خود را به مدرسه ای در محله و یا خیابانی میرسانند، ما کودکان دیروزی نیز ناگهان به خود بیائیم واذهان انباشته از یاد وخاطراتمان را خواسته یا ناخواسته در آسمان خیال به جولان درآوریم و گشت وگذاری کنیم در اقلیم هائی که سالیان درازیست از آن ها فاصله گرفته ایم. اما محدوده ی این اقلیم ها آن قدر وسیع است که برای افرادی به سن وسال من، پرسه زدن در آن ها ومکتوب کردنشان ، امری ناممکن است.

اما در این جا ، به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید، برای اولین بار به ذکر خاطره ای میپردازم که یکی از شیرین ترین و فراموش ناشدنی ترین خاطرات زندگیم است و مربوط می شود به اوایل آبان ماه سال ۴۷ که دومین ماه از اولین سال اشتغالم به حرفه ی معلمی است، آن هم در روستا شهری بنام " دیر " آن روز:

در یکی از روزهای هفته، همچنان که در کلاس ششم دبستان داریوش دیر، پشت میز کارم نشسته بودم ومشغول تصحیح دیکته شاگردان، از پنجره کلاس چشمم افتاد به پسرک بور و مو بلندی که در گوشه ای از حیاط وسیع مدرسه ، بر پاره سنگی زیر سایه ی درخت گِزی نشسته بود وخیره به سمتی شده بود که من قرار داشتم .

اگر چه شکل ظاهری و موهای زرد کودک به بچه های آفتاب سوخته ی بندری نمی خورد، ولی لباس تقریبا کهنه و مندرس او، وجه اشتراکش با اکثر بچه هائی بود که در کلاس نشسته بودند. کنجکاو شدم که بدانم او چه کسی است ودر این جا چه میخواهد!؟ و یکی از شاگردان توضیح داد که او تا سال قبل - کلاس پنجم دبستان - همکلاسی آنان بوده و امسال به خاطر دوسال اضافه سن، مانع از ادامه تحصیل و ثبت نامش در مدرسه شده اند. ضمنا بچه ها از استعداد وهوش وحافظه اش هم تعریف هائی کردند.

آمدم کنار پنجره کلاس و او را صدا کردم. فرزی از جایش بلند شد. جلو در کلاس که رسید، سلامی کرد ومودبانه ایستاد ومثل همه ی شاگرد مدرسه ای ها دست راستش را بالا گرفت ودر حالیکه انگشت شستش رو به هوا بود با لحن معصومانه ای گفت: "آقا اجازه ! با ما کار داری؟" وقتی از او پرسیدم حالا که به مدرسه نمیائی چکار میکنی؟ با غمی که توی صدایش بود و نمی که در حلقه ی چشمانش ، جواب داد: "آقا تو کشتی مادر، میگو پاک میکردم، حالا فصل صید تموم شده وبر گشتم خشکی وبیکارم". گفتم دوست داری بازهم به مدرسه بیای؟ چشمان پر از اشکش را به چشمانم دوخت وبا نا امیدی گفت : " ولی آقا دیگه نمیشه!!"

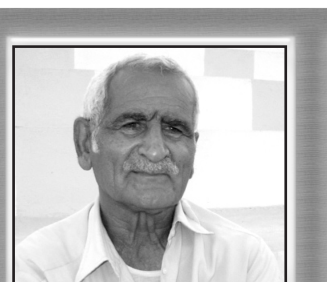
ساعتی بعد ، موضوع را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم و پی جور راه حلی برایش شدم. اما او خیلی ساده وراحت گفت : "متاسفانه هیچ کاری نمیشه کرد." وبعد توضیح داد که او از همان کلاس اول ، با شناسنامه برادر ظاهرا متوفایش که نام دیگری داشته و دو سه سالی هم از او بزرگتر بوده مشغول تحصیل شده و حالا که می خواسته در کلاس ششم دبستان ادامه تحصیل بدهد، طبق بخشنامه وزارت آموزش و پرورش به علت همین اضافه سن قادر به ثبت نام نمی باشد.

اما من از شنیدن حرف های مدیر نا امید نشدم. به رئیس آموزش و پرورش مراجعه کردم. ولی متاسفانه پاسخ او هم همین بود. ولی من باز هم سماجت کردم . با وصف آن که ۲۰ سالی بیشتر از سنم نمی گذشت واستخدامی تازه آموزش وپرورش بودم و ناآگاه از قوانین ومقررات آن، اما نمی دانم چه احساسی به من می گفت که این مساله حل شدنی است. بالاخره در برابر اصرارهای من و البته موافقت رئیس آموزش وپرورش، تعداد سه عدد پوشه ی پُر وپیمان از بخشنامه ها ومقررات ثبت نام و ادامه تحصیل شاگردان را دادند به دستم تا با خودم ببرم خانه و برگ برگ آن ها را مطالعه کنم.

یکی دو هفته ای را صرف خواندن آن ها کردم تا بالاخره یافتم آن چیزی را که به دنبالش بودم: دستورالعملی را دیدم که در آن تصریح شده بود : در برخی مناطق روستائی که بنا به عللی امکان تحصیل کودکان در مراکز آموزشی رسمی وجود ندارد، چنانچه کودک لازم التحصیلی یافت شود که از طریق مکتب خانه ها و یا حتی در خانه، خواندن و نوشتن ومقداری ریاضی را فرا گرفته باشند، ادارات اموزش وپرورش می توانند با انجام امتحاناتی از آن ها، در صورت موفقیت نسبت به ثبت نامشان در مدارس دولتی اقدام نمایند وامکان ادامه تحصیلشان را فراهم کنند.

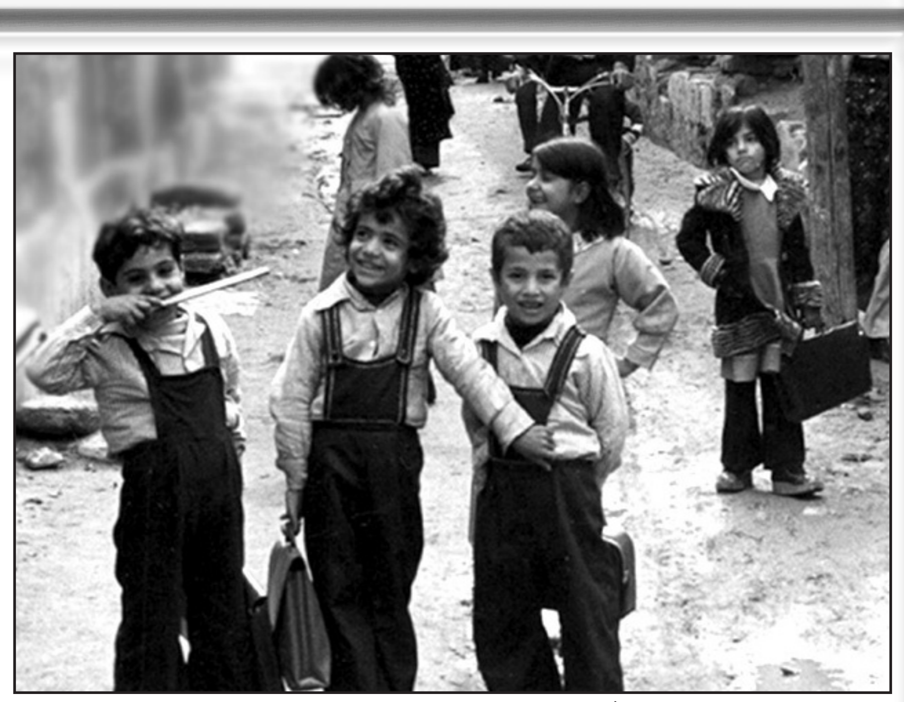
فکر میکنم ساعت دوازده شب بود که بخشنامه به دست ، راهی خانه رئیس آموزش و پرورش شدم تا مژده این کشف بزرگ خود را به او بدهم ومصرانه از او بخواهم که این کودک را نیز در ردیف همان بچه هائی قرار دهد که در بخشنامه مورد اشاره ذکر شده است!!

فردای آن روز، پس از گرفتن یک امتحان سر دستی دروس کلاس پنجم از او - که البته قبلا بطور رسمی و قانونی طی کرده بود - ، اما این بار با نام اصلی خودش و نه برادر مرحومش، او را قبول اعلام نموده و با سلام و صلوات در کلاس ششم دبستان ثبت نام کردم!! تا بدین وسیله او بتواند نه تنها کلاس ششم بلکه در سال های بعد ، دوران های مختلف تحصیلی اش را با موفقیت به پایان برساند ، و پس از انقلاب ، در کسوت یک انقلابی دو آتشه، مدیریت یکی از حساس ترین مراکز اداری دیر را بر عهده گرفته و مصدر خدماتی برای همشهریانش باشد.



خاطرات خواندنی عبدالحمید فقیه مدیر پیشین مدرسه عاشوری (کهریزی) در بوشهر: (۱)

چگونگی تاسیس مدرسه بنمانع



اهدای زمین مدرسه بنمانع (کهریزی - عاشوری) توسط حاج محمد حسین قیصی زاده

دبستان بنمانع در سال ۱۳۴۲ در محله بنمانع تاسیس گردید. ساختمان آن چهار کلاسه و به نام دبستان جفره مشغول به فعالیت شد. ملک آن توسط شخصی خیر و نیکوکاری بنام حاج محمد حسین (حاج محسین) قیصی زاده (پدر شهید حاج ابراهیم قیصی زاده) مجانا در اختیار اداره معارف آن زمان که بعدا فرهنگ و سپس آموزش و پرورش شد، قرار گرفت تا نام نیکی از خود به یادگار بگذارد. زمینی که مرحوم حاج محمدحسین قیصی زاده برای ساختن مدرسه در بنمانع اهدا نمود بیش از ۲۳۰۰ مترمربع بود و بسیار با ارزش بود.

نام نیکو گر بماند ز آدمی / به کزو ماند سرای زرنگار

سابق نام بعضی از ادارات بوشهر عربی بود از جمله دارایی را مالیه، شهربانی را نظمیه، شهرداری را بلدیه و آموزش و پرورش را معارف می نامیدند. درباره مرحوم حاج محمدحسین قیصی زاده رحمت الله علیه، هر چه بنویسی کم نوشته ای. بزرگترین خصلتی که در وجود آن شخص بود، خوش برخوردی، صبوری و مردم داری بود و همه او را دوست می داشتند و احترام زیادی برایش قائل بودند. به فقیر و فقرا زیاد کمک می کرد و اگر کسی در زندگی در می ماند یا گرفتاری برایش پیش می آمد، بسراغ حاج محسین می رفتند تا آن جا که امکان داشت گرفتاریش را بر طرف می کرد. فرزندان آن مرحوم حاج کاظم و حاج ابراهیم و تا آن جا که در جریان هستم نوه های آن مرحوم هم این خصلت بزرگ و نکوهیده را از پدربزرگ و پدر ایشان به ارث برده اند. مرحوم حاج محمد حسین قیصی زاده طرز رفتار و برخوردشان با مردم طوری بود که از طریق رادیو در موقع حیاتش، وقتی با مردم بوشهر مصاحبه کردند او را بهترین فرد در بوشهر شناختند. من با شهید حاج ابراهیم قیصی زاده خیلی صمیمی و مثل برادر بودیم. روزها اغلب با بچه های محل در اطراف مسجد حاج محمدعلی که بعضی ها مسجد را به نام حاج محسین می شناختند، جمع می شدیم. من یاد ندارم و نشنیدم که گاهی آن مرحوم قسم بر زبان جاری کند. قسمش همیشه کلمه ای شوخی بود.

طناب کشی دمام با بچه های محله سنگی

با بچه های محل از حاج محسین قیصی زاده خاطرات زیادی داریم که یکی از آنها که گاهی فراموش نمی کنم بر روی کاغذ می آورم. بچه های محل سنگی در سال یک روز میهمان حاج محسین قیصی زاده بودند جهت خوردن نان و جگر آن هم در مقابل کار. کارمان در آن روز آماده کردن دمامهای مسجد جهت ماه محرم و صفر بود. دو سه روزی به ماه محرم و صفر مانده حاجی ما را جمع و جور می کرد جهت کشیدن طناب دمام های مسجد، از صبح تا عصر کارمان در مسجد سفت کردن بند دمام ها بود، تقریبا ده تا پانزده دمام از قلندرخانه مسجد بیرون می آوردیم، یکی پس از دیگری طناب هایشان را می کشیدیم و خوب که آماده می شد می بردیم در قلندرخانه سر جایش می گذاشتیم. از آن دوستانی که در این رابطه با ما همکاری می کردند و الان چهره در نقاب خاک کشیده اند یادی کنیم از جمله مرحوم حاج عبدالمجید زنگویی، مرحوم حاج ابراهیم قیصی زاده، مرحوم جلال و محمد پورنجفی، مرحوم جلال ذکاوت، مرحوم محمد رضا سملیان، مرحوم غلام حسین غنی زاده، مرحوم گرگعلی جهان بخش معروف به گرگو مه پلنگ. همه اینها بچه های محل سنگی بودند که خداوند آنان را غریق رحمت واسعه خود قرار دهد انشاءالله. نزدیک ظهر که می شد، حاج محسین یکی از بچه ها را مامور آوردن نان و جگر می کرد که با دوچرخه برود شهر... چهل، پنجاه سیخ جگر با متعلقاتش (نان- پیاز و لیمو سبز) می آوردند، سیری می خوردیم مقداری هم اضاف می آمد. خوردن آن نان و جگر لطف عجیبی داشت و محفل ما را حسابی گرمی می بخشید با دوستان دور هم بودیم شاد و خندان (یاد آن دوران بخیر)

به مجلس دوستان با وفا کو / رفیقان و عزیزان شما کو

همه ساله بدون کم و کاست تا حاج محسین در قید حیات بود این برنامه به موقع اجرا می شد.

ساختن مدرسه جفره (بنمانع - کهریزی - عاشوری)

زمینی که حاج محسین قیصی زاده در اختیار اداره معارف قرار داد بسیار بزرگ بود و حیاط خیلی بزرگی هم داشت که چهار کلاس بیشتر در وسط آن درست نکرده بودند. چون قدیمی ها خیلی به سواد اهمیتی نمی دادند با همین چهار کلاس، مدرسه شروع به کار کرد. وقتی که مردم به اهمیت سواد پی بردند و فهمیدند که سواد چیز خوبیه استقبال زیادی کردند بطوری که تعداد کلاس های مدرسه از چهار کلاس به شش کلاس و اتاق بزرگی هم جهت مدیرآن در نظر گرفتند. اولین مدیری که در دبستان جفره که نام مدرسه بود مشغول به کارشد آقای مهمینی بود که از امام زاده به سنگی آمده بود و روبروی منزل آقای جواد موجی، سکنی داشت. البته تعدادی مدارس قدیمی در شهر و بیرون از شهر از جمله دبستان سعادت و گلستان در مرکز شهر، فروغی در جفره علی باش، اخوت در خواجه ها، پورسینا در امام زاده هم بودند. چون اداره آموزش و پرورش به نیروی با سابقه و پر کار احتیاج داشت آقای مهمینی پس از چند سال مدیریت در مدرسه جفره، به اداره منتقل کردند و زمام امور مدرسه بدست آقای بهمن احمد پور که ساکن محله تل کوتی بود سپردند. تاسیس مدرسه جفره و استخدام اینجانب در گناوه هر دو در سال ۱۳۴۲ اتفاق افتاد که به عنوان آموزگار روز مزد با ماهی یکصد و پنجاه تومان حقوق در خدمت آموزش و پرورش در آمدم. در آن زمان مرحوم جلال پورنجفی در دهات اطراف گناوه بنام محمد صالحی بعنوان مدیر و آموزگار تدریس می کرد، من هم اغلب روزهای پنجشنبه و جمعه پهلویش می رفتم.

برگشت از گناوه به بوشهر و رفتن به مدرسه فروغی

مدت دو سال در گناوه در مدرسه حافظ مشغول تدریس شدم که سپس به بوشهر آمدم. در سال ۱۳۴۴ ابلاغ مرا به مدرسه فروغی جفره علیباش نوشتند. البته اسم مدرسه بنمانع که جفره بود ارتباطی با جفره علیباش نداشت بلکه منظور جفره ماهینی (مفگه) بود. در آن موقع مرحوم جلال پورنجفی از گناوه به بوشهر و سپس به جفره علیباش منتقل شده بود و منهم که در سال ۱۳۴۴ به بوشهر منتقل شدم به همان مدرسه فروغی ابلاغم نوشته شد. ساختمان آن مدرسه قدیمی هنوز در نیروی هوائی پابرجاست و یک مقدار توسعه پیدا کرده، فکر می کنم شهرداری شده باشد. یک سالی در مدرسه فروغی بودم که به مدرسه جفره (عاشوری فعلی) منتقل شدم. چون خوشم نمی آمد که در محل سکونتم باشم، جایم را با مرحوم پورنجفی عوض کردم و دوباره به جفره علیباش برگشتم. در این دو سال که در گناوه بودم دوستان خوبی چون حاج عبدالعزیز افتخاری (ورزشی نویس) و حاج بهزاد بهزادی که با هم استخدام شده بودیم و در یک مدرسه تدریس میکردیم و با خانواده ایشان که حق بزرگی در عرض این دو سال در گردن من داشتند، آشنا شدم. گناوه ای ها اصولا مردمانی با محبت و مهمان نواز هستند و من هیچگاه تا زنده ام محبت های آنان و خصوصا خانواده آقای بهزادی که والدینش رحمت خدا رفته اند را فراموش نکرده و نخواهم کرد.

دیدار با یک دوست بعد از چهل سال

هم چنین با شاعر بلند آوازه گناوه ای، آقای ایرج شمسی زاده نیز در گناوه دوست بودم که بعد از آمدن به بوشهر یعنی پس از چهل و اندی سال او را ندیدم تا شبی که به دعوت خانه مطبوعات محلی در مراسم روز خبرنگار پیاده به سینما بهمن رفتم، آقا و خانمی جنب کیوسک بیرون از سینما ایستاده بودند. آقا از من سوال کرد سینما بهمن همینه؟ گفتم بله عزیزم. بعد گفت مثل اینکه باید آقای فقیه باشید گفتم بله آقا، با هم روبوسی کردیم گرچه قیافه اش برایم خیلی آشنا بود ولی هر چه به مغزم فشار آوردم بجایش نیاوردم. در سالن انتظار سینما متوجه شدم که وی ایرج شمسی زاده است. تعجب کردم چطوری بعد از چهل سال مرا شناخت. سراغش رفتم بعد از معذرت خواهی در آغوشش گرفتم و بوسیدمش. آخه موقعی که در گناوه بودم او را سرحال و قبراق میدیدم ولی الان پیر و شکسته شده بود. گفتم چرا اینهمه پیر شده ای؟ گفت آقای فقیه زندگی مرا خانه نشین کرده!

تخلیه جفره علیباش و رفتن به مدرسه فخر داعی

در هر صورت تا آنجا رسیدیم که جایم را با مرحوم پور نجفی در مدرسه فروغی عوض کردم. روی هم رفته سه سال درمدرسه فروغی بودم که مسئله نیروی هوائی پیش آمد و جفره علیباش میبایست تخلیه گردد. خیلی مردمانش ناراحت و عصبانی بودند نمی دانستند چکار کنند. چاره ای نداشتند و می بایست هر چه زودتر آن منطقه را خالی کنند. خلاصه در سال ۴۷-۴۸ از دبستان فروغی به مدرسه فخر داعی (امام جعفر صادق علیه السلام) در سنگی منتقل و در پست معاونت آن مدرسه به مدت یکسال انجام وظیفه نمودم.

ادامه دارد...

توصیه معلمان بوشهری به دانش آموزان

اول درس و بعد...

ارتباط بیشتر سه راس تحصیلی

رحمان بهنام نیا - دبیر ریاضی مدرسه نمونه شهدای شبانکاره: از آن جا که دانش آموزان، والدین و مربیان سه رأس یک مثلث می توانند باشند که به نحوی تعامل آن ها با یکدیگر منجر به بازشناسی و هدایت بهتر دانش آموز در امور تحصیل می شود، بنابراین ضروری است که دانش آموزان و والدین آن ها بیش از پیش با مکان های آموزش در تماس باشند، چرا که تجربه نشان داده است هرچه ارتباط قوی تری بین این سه عنصر وجود داشته باشد دسترسی به اهداف آموزشی میسرتر خواهد بود. لذا در سال جدید تحصیلی از دانش آموزان و والدین آن ها انتظار می رود که به تلاش در جهت اعتلای اهداف آموزشی و پیشبرد آن ها همت بیشتری به خرج دهند.

تلاش و دقت بیشتر

ابوالحسن امیر زاده - دبیر ادبیات : دانش آموزان با تلاش کردن و دقت کردن می توانند بهتر به نتیجه برسند. دانش آموزان همچنین با استفاده از کتاب های کمک درسی بهتر می توانند به فراگیری علم و دانش بپردازند. دانش آموزان باید تمام دقت خود را بر روی مدرسه و کلاس متمرکز کنند و با تلاش خود بتوانند این سال تحصیلی را نیز با موفقیت بگذرانند.

برنامه ریزی برای درس و تفریح

احمد عبداللهی - دبیر دینی و قرآن: انتظار است که دانش اموزان اوقات فراغتشان را در موقع درس و مدرسه کم کنند. دانش آموزان در تابستان، تفریحات و مشغله هایی مثل بازی های کامپیوتری و ورزش داشتند که الانه باید کم شود و حالا که مدرسه آغاز شده به فکر آینده باشند و از امروز پایان سال تحصیلی را ببینند تا نگران نتیجه امتحانتشان نباشند و بیشتر وقتشان را صرف مشق و درس و توجه به بیانات دبیران و آموزگاران کنند و حتی المقدور یک برنامه ریزی برای مدرسه و درس بریزند که هم به تفریح و هم دید و بازدید برسند و هم این که به درس و تحصیلشان توجه ویژه داشته باشند و البته درس را در اولویت قرار دهند، چون عمری را که صرف می کنند به هیچ وجه این عمر قابل برگشت نیست و باید از عمر بهره کافی ببریم و از این استعدادی که خداوند در اختیار آن ها قرار داده و امکاناتی که آموزش و پرورش و اولیاءشان در اختیار آن ها قرار داده بهره ببرند، و قدر آن ها را بدانند.

استفاده صحیح از زمان

محمدباقر آسیفی - دبیر شیمی : ما دبیران علوم پایه هم با شروع سال تحصیلی، در اول سال تحصیلی جدید وقت به اندازه کافی است و حدود یک چهارم وقت خود را صرف توصیه رفتاری و اخلاقی به دانش آموزان می کنیم و چیزی کمتر از دبیران پرورش نداریم. والدین نیز باید مواظب دانش آموزان باشند و از رفتار و احوال فرزندان شان در داخل و بیرون مدرسه اطلاع حاصل نمایند. ما دبیران باید برای درس دادن و دانش آموزان برای درس خواندن، از تمام وقت مان استفاده کنیم.

محبت و مهربانی با یکدیگر

موسی نسترن دبیر تربیت بدنی و آمادگی دفاعی: انتظار داریم که دانش آموزان در سال جدید تحصیلی، نسبت به همدیگر محبت داشته باشند و با هم مهربان باشند، دانش آموزان از نظر انضباطی خوب باشند و همچنین خوب درس بخوانند مخصوصا دانش آموزانی که در مدارس غیرانتفاعی درس می خوانند چرا که که اولیاشان هزینه بیشتری برای آن ها متحمل می شوند و به گونه ای باشد که جوابگوی هزینه والدینشان باشند.

همه در خدمت دانش آموزان

موسی قیصی زاده - دبیرستان نمونه شبانه روزی امام خمینی (ره): معلمان در آغاز سال تحصیلی جدید از دانش آموزان انتظار دارند که به درس و مدرسه اهمیت کافی دهند. سعی کنند که با معلمان و اولیای مدرسه هم همکاری کنند و بدانند که همه امکانات آموزش و پرورش برای این است که آنها بتوانند راحت تر درس بخوانند. تمام زحمات معلمان برای علم آموزی آنهاست و ما همه تلاشمان را می کنیم که آنها بهتر درس بخوانند. از والدین نیز انتظار داریم تا در راه علم آموزی فرزندانشان در کنار کادر مدرسه حضوری فعال داشته باشند. دانش آموزان باید در خانه نیز احساس راحتی کنند تا تمام حواس و ذهن خود را به درس مشغول کنند.

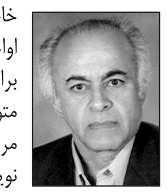
هم گامی اولیاء با مدرسه

محمود حسنی توابع - کارشناس آموزش و پرورش : انتظار ما از اولیا و دانش آموزان این است واقعا تحصیل یکی از دغدغه های اصلی آن ها باشد و مدرسه به عنوان خانه دوم مورد پذیرش دانش آموز و اولیاء قرار گیرد، چرا که بیش از نیمی از اوقات مفید یک دانش آموز در مدرسه سپری می شود و این احساس موجب ارتباط و توجه بیشتر آن ها با مدرسه می شود. هر چه ارتباط اولیاء با مدرسه بیشتر باشد آن ها قطعا با مسائل و مشکلات مدرسه بیشتر آشنا شده و تأثیر مثبت بر تحصیل فرزندانشان خواهد گذاشت. لذا اولیاء باید همیشه همراه و هم گام با مدرسه بوده و مشارکت جدی در تمام امور مدرسه داشته باشند.

نسیم جنوب ۶
گزارش
شماره ۵۹۸ یکشنبه ۴ مهرماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

دو خاطره از تحصیل و تدریس

نجف آهوچهر
دبیر بازنشسته اموزش و پرورش



خاطره ای از دوران تحصیل: اواخر شهریور ماه سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل دوره دوم متوسطه به دبیرستان سعادت مراجعه کردم. پس از نام نویسی روز اول مهر جهت شرکت در کلاس همراه دوستان پای پیاده، مسافت سنگی محله ی حاج محمدعلی تا دبیرستان سعادت را طی طریق کرده، وقتی به محل دبیرستان رسیدیم تعدادی از دانش آموزان روبری در ورودی دبیرستان و در سایه گاراژ فروزانی که در سمت مقابل در شرقی دبیرستان بود و حالا به جای آن پاساژ آزادگان ساخته شده، جمع شده بودند و هر کس می خواست وارد دبیرستان شود او را صدا می زدند و می گفتند کسی داخل محوطه دبیرستان نیست شما هم نروید. ما هم به ناچار بخاطر همراهی با دیگران بطرف سایه دیوار گاراژ رفتیم و منتظر ایستادیم که چه موقع می توانیم داخل شویم. پس از نیم ساعت آقائی لاغراندام با عینک ذره بینی درشتی با خط کشی در دست بطرف بچه ها آمد و شروع کرد به کتک زدن بچه ها و اینکه چرا داخل دبیرستان نمی روید. مخصوصا یکی را شدیدا می زد و او فریاد می زد که من شاگردم و آن آقا می گفت شاگرد باید داخل مدرسه باشد. اینجا چکار می کنی؟ و پس از چند بار کتک خوردن جوانک فریاد زد من شاگرد شوفرم نه شاگرد مدرسه، چرا می زنی؟ آنوقت بود که آقای مهاجم که بعدا فهمیدم جناب بیضائی مدیر دبیرستان بوده او را رها کرد و به بقیه بچه ها که از این منظره بلند بلند می خندیدند حمله برد و گروه متفرق شدند و عده ای از ترس وارد دبیرستان گردیدند.

خاطره دوران تدریس: مهرماه سال ۱۳۵۸ که مصادف با دوران پیروزی انقلاب اسلامی بود به من ابلاغ تدریس در دبیرستان سعادت را دادند. پس از مراجعه به دبیرستان و تسلیم ابلاغ خود به مدیر برنامه تدریس هفتگی را به دستم دادند. چه برنامه ای! به قول معروف آش شله قلمکار. از جغرافیا گرفته که رشته تحصیلی ام بود تا اقتصاد و مالیه، جامعه شناسی، رسانه های گروهی و مطالعات اجتماعی و چند درس دیگر. در یکی از کلاس های سوم اقتصاد درس اقتصاد و مالیه تدریس می کردم و بچه ها می بایست ضمن درس مسائل مربوط به درس مالیه را هم در دفتر جداگانه حل می کردند و پس از ارائه در کلاس مطالب صحیح آن را در دفتر پاکنویس می نوشتند، یکی از بچه ها از همان اول بنای ناسازگاری و عدم همکاری از موارد خواسته شده را نهاد و دائما بهانه می آورد، تا یک روز که تکلیف انجام نداده بود فرستادم به دفتر مدیر تا بعدا خودم حضورا موضوع را مطرح کنم در حالیکه از کلاس خارج می شد زیر لب حرف نامربوطی زد و خارج شد. کمی حوصله کردم و بر اعصاب خودم مسلط شدم. این موضوع گذشت تا سال بعد تابستان آن سال پدر آن دانش آموز به رحمت خدا رفت و خود او به کلاس چهارم اقتصاد. اواخر سال بعد به من ابلاغ سالن تصحیح اوراق مرکزی سال چهارم رشته های مختلف دادند. پس از امتحانات نوبت خرداد آن دانش آموز در چند درس تجدید شد. در ضمن برگزاری امتحانات شهریور ماه شبی در منزل ما را زدند. در را باز کردم همان دانش آموز بود که با چهره ای ملتمسانه از من خواست تا کمکش کنم و می گفت اگر امسال قبول نشوم مرا به سربازی می برند و خانواده ام در تنگنا قرار می گیرند. به او گفتم سعی خودت را بکن و درسهایت را بخوان من هم به اندازه ای که قانون اجازه می دهد هوایت را دارم. نتیجه شهریور که اعلام شد خوشبختانه قبول شده بود. چند شب بعد دوباره در زدند همان دانش آموز بود با جعبه ای شیرینی که برای تشکر آمده بود پس از سلام و احوال پرسی و تشکر فراوان گفت آقا می خواهم یک حلال بودی هم ازت طلب کنم، گفتم حتما بخاطر آن حرف زشتی که فلان سال به من زدی می خواهی حلالت کنم؟ گفت مگر شما شنیدید؟ گفتم بله. گفت چرا عکس العمل نشان ندادید و مرا تنبیه نکردید؟ گفتم اگر می کردم الان مثل خودت شرمنده و پشیمان بودم. کنار دیوار خانه ما نشست و گریه کرد بطوریکه مرا هم به گریه انداخت. او را بلند کردم صورتش را بوسیدم و گفتم حلالت کردم. خداوند تو را موفق بدارد و گناهت را ببخشد. حالا هر وقت مرا می بیند در هر حالتی که باشد بطرفم می آید و پیشانیم را می بوسد و می رود. او و دیگر دانش آموزان را خیلی دوست دارم و برایشان دعا می کنم.

چقدر از حواسمان پی آنها ست؟؟!

به مناسبت گرامی داشت هفته دفاع مقدس

محمد شاکری مطلق- خورموج



بی مقدمه؛ می رویم، می مانیم، هستیم، بودیم، شدیم، می خواهیم.. گاهی نه، همیشه برخی کاربرد فعل هامون را مدیون یه کسانی هستیم که رفتند تا بمانیم تا برویم تا باشیم بی تعارف هم هست این هستنه و براستی که رفتنه اونها اصله موندنه...

از خانه که می زنی بیرون و چند قدم که می روی، به کوچه ای به نام شهید... می رسی... حال کوچه شهید شهاب مهذبیان. خانواده پدری شهید از دشتی هایی بودند که به آبادان مهاجرت می کنند. گویند شهید بسیار خوش سیما و باهوش بوده، پدرش مرحوم حاج علی از کارمندان عالی رتبه شرکت نفت، سال ۷۷ به رحمت خدا رفت، از نمازگزاران باصفا مسجد ابولفضل بود و هنوز می شد نشانه های فراق شهاب زیبایش را در چهره اش یافت. بالاتر از کوچه شهید مهذبیان خیابان شهید گرگعلی خسروپور. او نیز به مانند بسیاری از شهدای مان در عنفوان جوانی به شهادت رسیده از حدیث تلخ روزگار سالها پیش از شهادت پدر و مادرش را از دست داده بود. آخرین فرزند مرحوم محمد خسروپور، همه از اخلاق نیکویش می گویند از صفا و منش شهید خسروپور... در میانه های خیابان شهید خسروپور، خانواده شهید احمد براقی سکونت دارند. جوانی که هنوز تشییع



جنازه اش در خاطر نگارنده باقی است، جوان ۱۹ساله بیسیم چی اهل آبادی سنا که در جاده فاو به شهادت می رسد. هرچند اکنون کوچه، خیابانی و...به نامش نیست. ولی همه می گویند فردی از خویشانش بعد از شهادت اواز حالت طبیعی خارج شد تا زمان فوت. پدرش مشهدی غلامحسین را همه در محله می شناسند از نمازگزاران و از مخلصانی که به مانند بسیاری از پیران دشتی هرگز به چشم نمی آیند و بدون هیچ چشم داشتی زندگانی می گذرانند و مادرش را که همه اهالی محل دوست دارند هرچند مدتی است روزگار را از روی ویلچر می گذراند و هنوز با شنیدن نام احمد اشک در چشمانش جمع می شود. از خیابان شهید خسرپور کوچه ای می آید سمت پایین کوچه شهید عبدالکریم حیدری. جوان نوزده ساله اهل آبادی منقل دشتی. خانواده اش در کوچه سکونت دارند و پدر و مادرش از گذشت سالها مو سپید کرده اند و از برکات محله اند، پدر از مردان کم حرف محله است که او را می شود همیشه در مسجد بیابی. از حسن تصادف در کوچه اکثرا شهرتشان حیدری است و اهل جبهه و دفاع بوده اند و اکنون با کمترین ها در گوشه ای از این ایران – شهرخورموج – ایام سپری می کنند. آن کوچه را که تا آخر بیایی می رسی به کوچه شهید عبدالله سروری مطلق، حول و حوش مسجد حضرت زهرا(س). شهید شانزده ساله ای از آبادی سنا، میز درس را رها کرد تا در سنگر دفاع درسی دیگر خواند، بعد از شهادتش مدرسه ای که در آن تحصیل می کرده را امروز به نامش همه می شناسند در خورموج. شما معصومیت را در چهره ای شهید به عینه می بینید. قدیمی های محل همیشه برایمان از او تعریف می کردند، که چقدر اخلاق خوبی داشته و همکلاسی ها از فوتبالی که بازی می کرده. پدر و مادرش را به علت پابه سن گذاشتن کمتر می بینی ولی نشان داده اند در تربیت فرزندان خود موفق بوده اند و اکنون بدون ادعا و توقع زیست می کنند. قدیم ها طبق رسمی دیرینه صبح عید فطر را ابتدا با سر زدن به خانه شان شروع می کردند و بعد سایر شهدا و... کوچه ی بالاتر است به نام شهید... و خیابان شهید...

در دشتی بزرگ چند صد کوچه و خیابان و... به نام شهداست، به مانند ایران. هر کدام این کوچه ها و خیابان ها ورای اسم هایی که روزانه چندین بار تکرارشان می کنیم، صدها و هزاران داستان گفته و نگفته دارند، اما چقدر از حواسمان روزانه پی آن داستان ها می رود؟ چقدر یادمان است که...

خدایا نجاتم بده!

به مناسبت ۷ مهرماه روز آتش نشانی - مجید حسین پور

شب، سکوت، آرام جان، حادثه لحظه ای بیش نیست. برای افرادی که وظیفه را تعهد و تعهد را تمدد در راه ایثار و گذشت می شمارند، مردمان خفته و برخی حاضر و ناظر. آن طرف تر حکایت از پیامدی ناگوار.

یک، دو، پنج. آتش نشانی! آتش، حادثه، صدای ممتد آژیرخطر، دوان دوان سوار بر خودروهای نجات خویشتن را به موقعیت هدایت می کنند، پیش به سوی تجلی از خود گذشتن، تجلی شهامت و شهادت.

در محل بلوایی برپاست و هرکس سراسیمه می خواهد کمکی کند. اما این سرخ پوشان سبزاندیش هستند که با خونسردی مهارت و جهد وافر حریق یا حادثه را تسلیم خویش می سازند.

روایت فوق یکی از هزاران هزار قصه های ناگفته این پرسنل خدمتگزار است. قداست این مشغله بر هیچ کس پوشیده نیست. انسان همواره هر خدمتی که با جان و مال هم نوعش پیوند و گره خورده باشد، عافیت کار، عافیت و آرامش درونی روح و روان را در پی دارد.



قهر طبیعت خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته گاها شکل می گیرد. نجات یک فرد از مرگ نجات دادن یک ملت و قوم است، کما در لحظاتی که مردمان عامه نتوانند این فداکاری را به سرانجام برسانند گروهی از جان مایه می گذارند و بعضا جانشان را نیز فدا می کنند تا جانی آرام و قرار گیرد.

رادمردانی همچون کمان، ناصرزاده، همتی، جوهرزاده ها و... در آتش نشانی بوشهر مصائب و مشکلات متعددی پشت سرگذاشتند و پیش رو دارند که جای تشکر دارد. اما بی تردید خدمات ایمنی عاری از مشکلات و کمبودها نمی باشد. پی در پی برطرف کردن این نقایص سرلوحه کارمان است.

فقط چکیده سخن مان" ایمنی" در حد مطلوب است. "ایمنی" شعار نیست، "شعور" است. فرهنگ و ایده این طرق تفکر یعنی " ایمن بودن" باید نهادینه شود. بسترسازی برای این تفکر لازمه و نیازمند شهروندانی است که این فرهنگ را به عنوان یک نوع رفتار و کردار در زندگی روزمره خود محسوب می کنند. هستیم تا به مدد حق تعالی و همتتان جامعه ای شادب و پویا داشته باشیم.

نیایش های آتش نشان:

خداوندا: وقتی در جایی شعله های آتش می خروشند و برای انجام وظیفه فراخوانده می شوم به من این توانایی را بده که بتوانم زندگی همنوعان خود را نجات دهم.

الهی: به من مدد کن که آغوشم را قبل از این که دیر شود به روی کودکی بگشایم و یا زندگی کهنسالی را از وضعیت وحشتناکش نجات دهم.

پروردگارا: قادرم کن که هوشیار باشم وقتی ضعیف ترین ناله ها را می شنوم با سرعت و بدون اتلاف وقت از میان شعله ها راهی باز کنم و به مدد صاحب ناله برسم.

دادخواهی مردم هلیله و بندرگاه:

قبل از راه اندازی نیروگاه، وضعیت مردم هلیله و بندرگاه را سر و سامان دهید

دکتر امرالهی ، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی ایران و رئیس گروه مهندسی هسته ای دانشگاه صنعتی امیرکبیر در کتاب خود که درباره انرژی هسته ای و نیروگاه های اتمی است می نویسد : « در شعاع یک کیلومتری اطراف نیروگاه هسته ای نباید منطقه مسکونی وجود داشته باشد» .

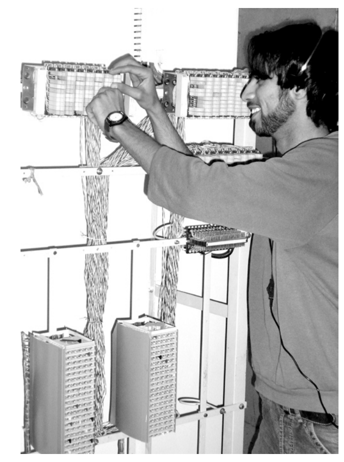
در جاده نیروگاه، نرسیده به سربالایی بعد از تنگک (معروف به پیچ تنگک) تابلو بزرگی قرار دارد که ابتدای « حریم پنج کیلومتری نیروگاه اتمی » را مشخص می کند. همانطور که می دانیم این نیروگاه سوخت گذاری شده است و به گفته مسئولان حداکثر تا دو – سه ماه آینده شروع به کار می کند. اکنون ما به شدت نگران سلامتی خود و خانواده خود هستیم ، زیرا همانطور که در ابتدای این مطلب گفته شد طبق استانداردهای جهانی باید فاصله نیروگاه اتمی با اولین منزل مسکونی حداقل یک کیلومتر باشد (بطور معمول نیروگاه های هسته ای پنج کیلومتر حریم خالی از سکنه دارند) . در حالیکه فاصله ما در روستای هلیله با این نیروگاه تنها شش متر است! یعنی بین ضلع شمالی نیروگاه با خانه های این روستا تنها یک کوچه فاصله است. به عبارت دیگر همه خانه های ما و زن و فرزندان ما در همین محدوده بسیار خطرناک یک کیلومتری قرار دارند.

در رژیم گذشته که یک شرکت آلمانی این نیروگاه را می ساخت قرار بود مردمان روستاهای هلیله و بندرگاه به جایی دیگر منتقل شوند و کل این مناطق به فضای سبز تبدیل شود. بعد از این که روس ها آمدند تا مدتی پیش نیز سخن از جابجایی ما به میان می آمد و حتی روستاهایی مانند چاه تلخ (چهتل) و غیره برای اسکان ما مطرح می گردید. البته این امر (موقتی بودن سکونت ما در این دو روستا) تا به حال مشکلات و محرومیت های فراوانی را برای ما به وجود آورده است. امروزه با توجه به شروع به کار قریب الوقوع نیروگاه، ما مردمان این دو روستا نگران سلامتی خود و بچه هایمان هستیم. ما از مسئولان کشور می خواهیم که با توجه به حق مسلم حیات و سلامتی برای همه انسان ها ، دست به کاری نزنند که هزاران نفر از همنوعانشان در این دو روستا در معرض تشعشات اتمی و بیماری های خطرناک و انواع سرطان ها قرار بگیرند. تحقیقات دانشمندان نشان داده است که کودکان و نوزادان در مقابل تشعشات هسته ای هر چند اندک، بسیار ضعیف و آسیب پذیر هستند و در صورت دریافت مقدار کمی اشعه که در محیط (دستکم یک کیلومتری) نیروگاه وجود دارد به سرطان تیرویید و سرطان خون و سایر سرطان ها مبتلا می شوند . بی گمان برای حکومتی که مدعی است بر مبنای اسلام و خداپرستی و انسانیت رفتار می کند، سزاوار نیست که دولتش حقوق مسلم شهروندان خود را آنهم در مسأله ای که رعایت نکردنش عواقب وخیمی برای سلامتی و زندگی آنها در پی دارد نادیده بگیرد و یا زیر پا بگذارد. دولت ایران بر مبنای « مهرورزی و انسان دوستی » بیش از صد میلیارد تومان به سیل زدگان پاکستانی کمک نقدی کرد، و بر اساس توصیه مقامات جمهوری اسلامی ، همه ارگان های کشور تا سقف میلیاردها تومان کمک نقدی و جنسی برای این سیل زدگان ارسال کردند ، بی گمان اگر دولت بخواهد می تواند با اختصاص بودجه ای بسیار کمتر از آنچه که به پاکستانی ها داد زندگی ما را از بدترین خطرات نجات دهد. ما ساکنان هلیله و بندرگاه هرگز باور نمی کنیم که مقامات حکومت اسلامی بخواهند قبل از سر و سامان دادن به وضعیت ما، این نیروگاه را به کار بیندازد . اگر خدای ناکرده چنین امری صورت بگیرد مسلما ظلم بسیار بزرگی در حق ما کرده اند و ما در وهله اول نزد خداوند و در وهله دوم نزد مراجع قانونی شکایت خواهیم کرد.

کتاب « من اورانیوم هستم » ، دکتر رضا امرالهی ، نشر ناقد ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۸۴ ، ص ۳۸

(جمعی از مردم هلیله و بندرگاه)

شکواییه خانواده مرحوم محسن اردشیرپور



خانواده مرحوم محسن اردشیرپور طی نامه ای خطاب به ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، خواستار توجه به مشکل خود شدند. در این نامه آمده است: شرکت مخابرات استان بوشهر (اداره ارتباطات سیار استان) در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱ فرزندمان را بنام محسن اردشیرپور بعنوان مسئول نصب دستگاه ها و ارتینگ دکل های ارتباط سیار در استان بخدمت می گیرد و در تاریخ ۸۵/۳/۲۱ هنگام انجام ماموریت در اثر تصادف فوت می نماید، به بی توجهی شرکت مخابرات در دادن حق و حقوق فرزندشان اعتراض نموده اند.

در قسمتی از این نامه آمده است: بعداز گذشت بیش از ۳ ماه نه تنها از پرداختِ حق وحقوق اولیه نامبرده امتناع کردند بلکه اصلاً منکر رابطه کاری وی با مخابرات شدند و جوابگوی ما نبودند در آبان ماه ۸۵ مطلبی در هفته نامه محلی نسیم جنوب نوشتیم . در جوابیه شرکت مخابرات که در آذر ماه ۸۵ در همان هفته نامه چاپ شد اعلام نمودند که فرزندمان برای شرکت پیمانکاری رضا کار می کرده است. به شرکت مخابرات مراجعه نمودیم آدرس شرکت رضا را خواستیم بما گفتند که شرکتیِ بنام رضا نداریم، با پیگیری که ما کردیم اصلاً چنین شرکتی وجود ندارد. متاسفاته هیچ مدرکی در رابطه کاری مرحوم فرزندمان با مخابرات و یا پیمانکاران کارت شناسایی یا برگ ماموریت و فیش حقوقی هم وجود نداشت ... طبق گزارش رئیس وقت اداره ارتباط سیار استان بوشهر به بازرس کار در روز حادثه مرحوم اردشیرپور طبق دستور ایشان جهت اجرای کاری خاص با مبلغ معین با راننده و خودرو شرکت مخابرات به ماموریت عسلویه اعزام شده است. گزارش بازرس کار حاکیست که مرحوم فرزندمان در شرکت مخابرات از افراد شناخته شده بوده است ولیکن هیچگونه قراردادی وجود ندارد و حق بیمه ای هم برای ایشان رد نشده است. رای هیئت حل اختلاف با اکثریت آراء رابطه کاری فرزندمان را با شرکت مخابرات احراز کرد، به شرکت مخابرات رفتیم و کتباً تقاضا نمودیم با توجه به رای هیئت حل اختلاف و احراز رابطه کاری پاسخگوی مرگ فرزندمان باشند و حق و حقوق مرحوم فرزندمان را بدهند متاسفانه هیچ ترتیب اثری ندادند ...

در ادامه این نامه ضمن اشاره به پیگیری های صورت گرفته شده از سوی اداره کل بازرسی استان بوشهر آمده است: بعد از گذشت ۵ سال با توجه به ابلاغ سیاستهای کلی نظام اداری توسط حضرت آیت اله خامنه ای رهبر معظم که امسال را سال همت مضاعف و کار مضاعف اعلام و صراحتاً در بند ۲۳ خواستار حفظ حقوق مردم شده اند . طی نامه شماره ۱۰۹ مورخ ۸۹/۳/۳ از وزیر محترم وزارت ارتباطات در خواست پیگیری و پرداخت حق و حقوق مرحوم فرزندمان شدیم...

در ادامه این نامه خطاب به رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی آمده است: متاسفانه مسئولین مخابرات استان بوشهر جوانی را ۲ سال و نیم به کارهای سخت و طاقت فرسا در سراسر استان واداشته اند (کار در کودال های ۳ متری با مواد منفجره جهت نصب سیستم ارتینگ دکل های تلفن سیار) در ماموریتی که طبق دستور رئیس اداره ارتباطات سیار استان فرستاده شده، جانش را از دست داده ... ۵ سال است که از پرداخت حداقل حقوق کارگری که جانش را در راه خدمت به وطنش گذاشته است سرباز زده اند. چرا ۵ سال بایستی از مرگ جوان کارگری در کشوری اسلامی که همه از عدالت می گویند باید بگذرد و خانوده ای که جوانش را از دست داده نتوانند حق و حقوق فرزندش را مطالبه کند؟ بدینوسیله از ان مقام محترم تقاضا داریم با رسیدگی کامل به موضوع ما را به رسیدن حق و حقوق قانونی جوان ناکام خانواده داغدارش یاری نمایند .

مادر داغدیده شهناز دهداری دریسی – پدر داغدیده– حسین اردشیرپور

دیدنی های بوشهر

سور مزین

سید حسن رضوی



نوار ساحلی خلیج فارس در استان بوشهر یکی از مناطق زیبای گردشگری است. با اینکه بسیاری از هموطنان برای گذراندن چند روزی تعطیلات نوروزی بدور از هیاهو این استان را انتخاب می‌کنند اما هنوز هم هستند نقاط دیدنی استان که توسط گردشگران کشف نشده‌اند. برای این منظور کافی است مسیری کم‌تردد را برای سفر انتخاب کنید تا پنجره‌ای رو به دنیای بکر و دیدنی در برابر دیدگان شما گشوده شود.پیش از این وصف سور مزین (sore mozien) را بسیار شنیده بودم. نامی زیبا اما غریب که کمتر نامی از آن در منابع استانی آمده و پیدا کردن اطلاعاتی هر چند اندک از آن، کاری است بس مشکل. از گناوه که چند کیلومتری بسوی برازجان و بوشهر برانید، به سه‌راهی بندر ریگ می‌رسید که اگر این مسیر ساحلی را انتخاب کنید حتم داشته باشید از طبیعت زیبای آن لذت خواهید برد. این مسیر پنجره‌ای است بسوی دنیای تاریخ و افسانه. بسیاری از وقایع تاریخی استان در این مسیر ساحلی رقم خورده است. از شکست هلندیان توسط میرمهنای بندر ریگی در جزیره خارگ گرفته تا فرمانروایی خوانیین حیات داوود طی سال ها بر این منطقه که بقایای عمارات و قلعه‌های دیدنی بسیاری از آنها بر جای مانده است.

بعد از گذشتن از بندر ریگ و جزیره گردشگری میرمهنا، چند دقیقه‌ای که برانید به جایی می‌رسید که در نگاه اول گذر از آن مشکل بنظر می‌رسد. جاده‌ای که به زیر آب فرو رفته و منطقه وسیعی از اطراف جاده را آب فرا گرفته است. اغراق نیست اگر بگوییم کمتر جاده‌ای را می‌توان مشابه اینجا در جاده‌های ایران یافت. اما گذر از این جاده نه تنها سخت نیست که بسیار هم لذت بخش است. کافی است هنگام عبور درهای ماشین را باز کرد و از صدای آبی که زیر پایتان می گذرد سیراب شوید. این مکان را "سور مزین" می‌نامند.

تقدیم به حسن غلامی- طناز تا تر، تلویزیون وسینما بخا طر یکم مهر ماه روز تولدش

علی مطهری _ بندر کنگا ن

مهر که می شود
باران شعر
از مشرق لبخند آغاز می شود
تو می با ری
تا شهر از صداقت وسادگی سرشار شود
کودکان آمدنت را
در ازد حا م هلهله ها جشن می گیر ند:
یار دبستا نی من با من و همراه منی
واین ابتدای آشنا یی است
تو اما سکوت میکنی
تا بغض معصوما نه ات
آواز شود
تا هر روز گوشه ای از شور
به شهر بنوشانی.

ماه مهربانی

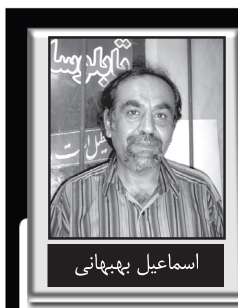
حسن غلامی

یادم هست،قبل ازتولدم بود
اول،پدرم مهربانی هایش را،همه یک جا نثارمادر کرد
بعد مادر مهربان شد و، مهرش همه یک جا حلال او،
واول این مهربخشی ومهربانی و مهرماه مهربان بود،
که مراراهی دنیا کردند
آمدم اینجا که مهربانی کنم
مثل دشت بانان که دشت بانی می کنند
یعنی مهربانی را بپایم که آسیب نبیند
مهربان باشم
می دانید یعنی چه؟
مادرم مهربانویی شد،
نشست و مرا به شیرو شکرگنزه ای مه شیرازه بست
بعد،اول مهر، راهی دبستانی پر ازشکوفه های مهرم کرد
ومعلمان گلهای مهربانی
مرا درس گل بودن دادند
وخود مثل نسیم، مهربان بر من وزیدند
و من گل از گلم شکفت
حال چگونه می توانم مهربان نباشم
من متولد ماه مهرم
اصلاً که می تواندمهربانی ام را انکار کند



نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۵۹۸ یکشنبه ۴ مهرماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

ایرانجوان؛ طلا یا مس



اسماعیل بهبهانی

یکی از مهمترین رویدادهای ورزشی استان در یکی دو هفته اخیر واگذاری اختیارات ایرانجوان به جعفر پورکبگانی فرماندار بوشهر بود که موجی از بیم و امید در دل هواداران این باشگاه ریشه دار و مردمی، ایجاد کرد.

ایرانجوان در کنار شاهین از دیرباز و همواره یکی از دو قطب اصلی فوتبال بوشهر بوده که چهره های ماندگاری را در عرصه ورزش و در اذهان عمومی به یادگار گذاشته و معرفی نموده است. علاقه مندان به فوتبال هیچ گاه اوج هیجان در ورزشگاه پیر بوشهر و به هنگام شهرآوردهای شاهین- ایرانجوان در سال های قبل را از یاد نخواهند برد. شکست تیم های پر مدعا و پرمهره استقلال و پرسپولیس تهران گوشه ای از افتخارات هواداران پرشور ایرانجوان محسوب می شود.پس از حضور شاهین در رقابت های لیگ یک آزادگان و صعود افتخار آمیز به لیگ برتر، مسئولین ایرانجوان که احساس می کردند از رقیب دیرینه عقب افتاده اند تلاش های زیادی کردند تا ایرانجوان را در سطح اول فوتبال کشور مطرح نمایند اما بدلیل مشکلات مالی و عدم حمایت موفقیتی کسب نکردند.

ایرانجوان در فصل گذشته با حمایت پورکبگانی فرماندار بوشهر با خرید و انتقال امتیاز پیام مقاومت شیراز در لیگ دسته یک حضور یافت و در حالی که تا اواسط فصل یکی از مدعیان صعود بشمار می رفت، در روزهای پایانی تنها توانست سهمیه خود را در لیگ یک حفظ نماید.

اما امسال ایرانجوانی ها که با یارگیری مناسب و بهره بردن از هدایت فنی اصغر شرفی خود را برای حضوری قوی در لیگ آزادگان آماده می نمایند، سکان هدایت باشگاه را به جعفر پورکبگانی فرماندار بوشهر سپرده اند. حضور ایرانجوان در لیگ برتر و استفاده از اسپانسری قوی حق این باشگاه و هواداران آن می باشد که جمعی از آنان تحقق آن را در سپردن اختیار باشگاه به پورکبگانی می بینند. حضور پورکبگانی که به اتکای قدرت سیاسی و اجرایی ناشی از منصب فرمانداری دلسوزانه می کوشد تا گرفتار های این باشگاه را حل و فصل نماید، ضمن اعلام جذب اسپانسرهای قوی قول آسیایی شدن در سایه برنامه ریزی را به هواداران داده است.

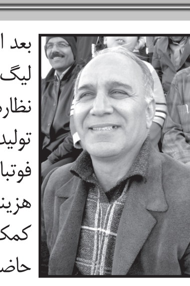
در حالی که بسیاری از پیشکسوتان و هواداران ایرانجوان این تغییر مدیریت را نقطه قوت باشگاه می پندارند، اگر دقیق تر به ماجرا نگاه کنیم حضور پورکبگانی بعنوان فرماندار بوشهر در راس باشگاه می تواند نقطه ضعف و پاشنه آشیل آن هم باشد. پورکبگانی فردی سیاسی است که در منصبی سیاسی(فرمانداری) فعالیت می کند و تا در این منصب و یا پست های بالاتر خدمت می کند، می تواند از قدرت و مدیریت خود استفاده و به ایرانجوان کمک کند. اما در صورتی که فردا روز، در منصب فرمانداری نباشد و به هر دلیلی پست و مقام دیگری هم به ایشان نرسد، تازه ابتدای مصائب باشگاه ایرانجوان است، زیرا برای اداره باشگاهی در حد لیگ برتر و یا حتی لیگ یک امکاناتی در حد تمکن مالی حسین هدایتی (مالک باشگاه استیل آذین) و یا حداقل در حد برادران شفیعی (استقلال اهواز) نیاز است، که بعید است پورکبگانی دارای ثروت آن چنانی باشد. عشق و علاقه و دلسوزی هم به تنهایی نمی تواند در این غوغای سرمایه سالارانه فوتبال حرفه ای کاری از پیش ببرد و حرفی برای گفتن داشته باشد، که اگر می شد فردی خوشنام چون حاج مجید رجبی بعد از دو دهه تلاش صادقانه می توانست جایگاه ایرانجوان را ارتقا دهد.

برخی معتقدند که از امروز می باید بازیکنان، کادر فنی، هواداران و پیشکسوتان ایرانجوان و تمامی علاقه مندان ورزش بوشهر خالصانه دست به دعا بردارند تا آقای فرماندار در جای خود استوار باشد و حتی کمی بیشتر هم دعا کنند تا ایشان به وکالت، وزارت و یا بالاتر از آن دست یابد تا شاید از این نمد، کلاهی برای ایرانجوان تهیه شود که در غیر این صورت شاید همه با هم بخوانند که:

از طلا گشتن پشیمان گشته ایم/ مرحمت فرموده ما را مس کنید

کیفیت پایین بازی های لیگ برتر
فوتبال شور یا بی نمک ایران

نادر اقدام



بعد از گذشت ۹ سال از مسابقات لیگ برتر، امسال هم در حالی نظاره گر مسابقات هستیم که تولیدات حاصل شده در زمین های فوتبال با تمام ریخت و پاش ها و هزینه های میلیاردی انجام شده، با کمک دلالان رسمی و غیررسمی حاضر، برعکس سایر رشته های ورزشی رشد مناسبی نداشته و این فرآورده کماکان در پاتیل کوچک تفکرات مربیان وطنی، بعضی وقت ها خوب عمل آوری نمی گردد. ریختن یک تعداد تاکتیک های ابتدایی و نامفهوم و نسنجیده همراه با اجرای تکنیک های خام سبب می گردد که این دست پخت همیشه یا شور یا بی نمک و نهایتا نچسب به بار آید.وقتی فرآورده با تمام ترفندهای به کار رفته متاسفانه حرفی برای گفتن ندارد مسلما قابل پذیرش تماشاچیانی که سر سفره این ضیافت نشسته اند، نمی باشد. سرآشپز برای موجه نشان دادن فرآورده خود مجبور می شود از چاشنی های تهمت، تهدید، خط و نشان کشیدن برای دیگران و نداشتن وقت کافی در خرید اقلام و مواد اولیه از قبیل بازیکنان، کادر فنی و ... استفاده نموده و توپ کم کاری و ندانم کاری را به زمین دیگران بیندازد، والا خود که گناهی در این زمینه نداشته است!!

داوران مسابقه به عنوان کسانی که از نزدیک امر قضاوت براین فرآورده را به عهده دارند در بعضی مواقع با قضاوت های بیجا و تصمیم های ناصحیح سبب می گردند که بهانه به دست این آشپزها داده تا عملکرد بد خود را توجیه نمایند و لیکن این تماشاچیان فهیم هستند که همیشه براین عملکردها ناظر بوده و نمره قبولی و مردودی را می دهند.متاسفانه شبکه ۳ تلویزیون با حضور جناب فردوسی پور متخصص سین جیم کردن مسئولین، مربیان و فوتبالیست ها همراه با سایر شبکه های صدا و سیما خواسته و ناخواسته در گرم نگه داشتن و موجه جلوه دادن چنین دست پختی سهیم هستند و هرچقدر مطبوعات و سایر رسانه ها حرارت این دیگ را بیشتر می کنند، متاسفانه این غذا بدپخت است و گوشت آن غیرقابل خوردن است. سوخت این فرآورده کماکان از هیزم های تر و زغال های روسیاه است که دود آن همیشه اشک مردم را در می آورد. رسانه ها و صدا و سیما اکثرا به موارد حاشیه ای و زدو خوردها و درگیری های قشری پرداخته و چنان محو تعریف و تمجیدها می شوند که در طول مسابقات متوجه نمی شوند چه چیزی به خوردشان داده اند و کم کم به این نوع غذاها و دست پخت های بی نمک و بی مزه عادت کرده و دل می بندند. این نوع دست پخت ها به علت نداشتن کیفیت لازم و نداشتن انرژی و جنبه های مثبت اکثرا غیرقابل هضم است و چون با مزاج بعضی از مردم سازگاری نداشته، تهوع آور بوده و به جای شفابخش بودن آنها را بیمار می کند. تبانی برخی بازیکنان به عنوان مواد اولیه سمی چه قبل از تهیه این فرآورده و چه بعد از آن، سبب می گردد که کلیه هزینه های بکار رفته در این امر سوخت شده و فرآورده، بوی تعفن بگیرد. به امید روزی که این دیگ های سیاه با افکار و ایده های نو شستشو داده شوند و از مربیان و بازیکنانی استفاده شود که تماشاگران فهیم ورزش را راضی نگه دارد.

مدیر موفق و صادق بوشهری را تخریب نکنید

وحید پورجماد



در حالی که این روزها تیم شاهین در شرایط ویژه ای قرار دارد و نباید گذاشت این تیم دچار حاشیه شود اما هفته گذشته روند به حاشیه وارد کردن وارد فاز جدید شد. اول اسپانسر دوازده میلیاردی که به چیزی شبیه شوخی بود از سوی منتقدین مدیرعامل شاهین بوشهر مطرح شد و دوم هم اتفاقی که در برنامه تلویزیونی نشان افتاد و کارشناس این برنامه به شدت از تیم شاهین هم در بعد فنی و هم بعد مدیریتی انتقاد کرد ومجید کنگانی مدیر این تیم را بسیار ضعیف معرفی کرد که جای حرف فراوان دارد. اول همان طورکه جناب کنگانی هم گفتند درباره جذب اسپانسر ۱۲ میلیارد تومانی، یا نمی دانند اسپاسر چیست یا خبر ندارند دوازده میلیارد تومان چقدر است. در حالی که برای تیم ملی اسپانسر پیدا نشده و از ۱۸ تیم لیگ برتر ۱۷ تیم آن دولتی هستند چون فوتبال یران سود آور نیست واقعا این شرکت خیالی چه هدفی برای این سرمایه گذاری دارد؟

دوم انتقادات جناب محبوبی در برنامه تلویزیونی نشان، انتقادتی که جدا از مسائل فنی که وی مطرح کرد و به نظر می رسید اشتباه بود، اما انتقادات شدید و یک طرفه او از مجید حسینی کنگانی مدیر موفق این تیم بود در حالی که کنگانی باید در برنامه حضور می داشت و جواب می داد اما قصد دارم فقط به چند مورد از این انتقادات که در برنامه نشان مطرح شد پاسخ بدهم.

سابقه آشنایی من با مجید کنگانی این معلم متواضع از زمان مدیریت او درسازمان منطقه پارس جنوبی است. وی که مدیر جذب سرمایه گذاری سازمان منطقه پارس جنوبی بود، عملکرد بسیار درخشان از خود نشان داد و اگر حضور وی در شاهین نبود وی همکنون یکی از مدیران وزارت نفت بود. اینکه جناب محبوبی فرمودند وی مدیر موفقی نیست و سابقه ورزشی ندارد. اول باید گفت جناب محبوبی چند مدیر لیگ برتری سابقه ورزشی دارند؟ مگر حبیب کاشانی سابقه ورزشی دارد که هم اکنون مدیر باشگاه پرسپولیس است یا علی فتح الله زاده یا مدیران باشگاه سپاهان و ذوب آهن؟ بحث مدیریت با این موضوع که وی ورزشی نیست اشتباه است. اتفاقا جناب کنگانی خود ورزشی هم است و یکی از داوران بین المللی در رشته تکواندو است.زمانی که حاج رضا عبدالله زاده از باشگاه شاهین استعفاء داد تیم در شرایط بحرانی به سر می برد و حضور در مدیریت باشگاه واقعا ریسکی بود که کنگانی پذیرفت و الحق و الانصاف خوب کار کرد و بدون شک یی یکی از موفق ترین مدیران تاریخ ورزش بوشهر است. شاید اگر پیگیری های شبانه روزی اون نبود در فصل قبل، شاهین دچار بحرانی بزرگ می شد و تیم از هم می پاشید. بحرانهای که کنگانی با مدیریت خود آنها را رفع کرد.

در پاسخ به اینکه چرا حمایت وزارت نفت از شاهین مثل دو تیم صنعت نفت آبادان و نفت تهران قطعی نشده و پیگیری های کنگانی ضعیف است نیز باید گفت دو تیم نفت تهران و آبادان دو تیم رسمی وزارت نفت هستند و سازمان منطقه پارس جنوبی بر اساس یک صلحنامه، حامی تیم فوتبال شاهین است و تیم شاهین تیم رسمی وزارت نفت نیست. اتفاقا تمامی تلاش های جناب کنگانی این بوده که شاهین را جز تیم های رسمی وزارت نفت کنند. وی با حمایت مدیریت ارشد استان و نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی در تلاش هستند این امر مهم اتفاق بیفتد و جلسات متعددی با حضور معاونین وزارت نفت برگزار شده است و همین مبالغی که گرفته شده است اگر این پیگیری ها نبود به جایی نمی رسد.

گزینه های مدنظر شاهین



مدیرعامل شاهین مهمان تلفنی برنامه فوتبال بوشهری بود که از صدای بوشهر پخش می‌شود. حسینی کنگانی با اعلام اینکه مطالبات بازیکنان شاهین زیاد نیست گفت: بعضی شیطنت ها آرامش تیم را بر هم می‌زند و تا بحال تأثیرگذار بوده است. ما به لحاظ مالی در وضعیت نیستیم که نگران کننده باشد و حتی کل بدهکاری های فصل های قبل را پرداخت نموده ایم.وی در مورد اضافه کردن یک مهاجم تمام کننده به تیم گفت: سه گزینه مدنظر ما هستند که با یکی از این گزینه ها مذاکره کرده ایم و گزینه دیگر تا چند روز دیگر به بوشهر خواهد آمد.عماد رضا یکی از این سه گزینه باشگاه شاهین است که امیدواریم بتوانیم با وی به توافق برسیم.مدیرعامل شاهین ضمن آرزوی موفقیت برای ذوب آهن نماینده فوتبال کشورمان در جام باشگاه‌های آسیا افزود: از هواداران می خواهم حواشی که جنبه منفی دارند را کنترل کنند و با اتحاد و همدلی روز خوبی را مقابل ذوب آهن رقم بزنند. وی همچنین دلیل تعویق اردوی جم را مهمانان شهرستان جم در هفته دفاع مقدس دانست و گفت: طبق هماهنگی های صورت گرفته در صورت مهیا نشدن اردو در این هفته، هفته آینده تیم به اردوی جم خواهد رفت.

پیام تبریک کنگانی به مدیرعامل ایرانجوان

مجید حسینی کنگانی طی پیامی انتصاب امیر محمدشاه به سمت مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی ایرانجوان بوشهر را تبریک گفت. متن پیام به شرح ذیل است:جناب آقای امیر محمدشاه، انتصاب جنابعالی به سمت مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی ایرانجوان بوشهر را تبریک می‌گوییم.یقیناً همت و تلاش شما موجبات رشد و اعتلای اهداف آن باشگاه مردمی و قدیمی را فراهم می‌نماید. بی شک تعامل و همکاری این دو باشگاه باعث پیشرفت و ترقی ورزش استان و کسب سکوهای قهرمانی در رشته های ورزشی تحت پوشش این دو باشگاه خواهد بود.

معرفی مشاورین فنی شاهین

سه نفر از پیشکسوتان شاهین به عنوان مشاور فنی معرفی شدند. از سوی مجید حسینی کنگانی مدیر عامل باشگاه، عباس سالارپور، محمدرضا محمدی و غلامرضا بوالخیری سه نفر از پیشکسوتان شاهین به عنوان مشاورین فنی تیم شاهین منصوب و معرفی شدند.

مهاجرانی :
حقوق و مزایای بازیکنان پرداخت شده



مدیرفنی تیم شاهین بوشهر گفت : حقوق و مزایای بازیکنان تقریبا پرداخت شده و آنها در وضعیت روحی مطلوبی قرار گرفتند. به گزارش وب سایت شاهین پارس جنوبی ، حشمت مهاجرانی اظهار داشت : مشکلات تیم به همت کنگانی مدیرعامل باشگاه حل شده و شاهین تمرینات خوبی را آغاز کرده است . وی افزود : ما تصمیم داشتیم در منطقه "جم" در نزدیکی عسلویه اردویی داشته باشیم، اما به احتمال زیاد این اردو را کنسل کرده و در همین بوشهر کارمان را دنبال خواهیم کرد. ما به آینده شاهین در لیگ بسیار امیدواریم، هرچند شکست را تئوری جدیدی در فوتبال نمی‌دانیم که می‌تواند برای هر تیمی به وجود بیاید.

لغو اردوی شاهین در جم

اردوی شش روزه شاهین که قرار بود در منطقه جم برگزار گردد، به دلیل فراهم نشدن امکانات و شرایط اسکان لغو گردید و تمرینات شاهین در بوشهر و در زمین چمن باشگاه برگزار می شود.

سرمربی تیم فوتبال گازفجر جم:
بدون ترس ازنام تیم های بزرگ آنان را شکست دادیم

سرمربی تیم فوتبال گازفجر جم بعد از پایان بازی های تدارکاتی خود در شیراز گفت: بچه های ما خوب کار کردند وهمگی به طور کامل در اختیار تیم بودند و با یک بازی زمینی وهدفمند برنامه های خود راپیش بردند.

وی گفت: تیم برق وپیام مخابرات شیراز نیز از تیم های قدرتمند لیگ دسته یک هستند و من خوشحالم که بازیکنانم توانستند طی بازیهای شایسته باانگیزه فراوان وبدون ترس ازنام تیم های بزرگ آنان را شکست دهند.

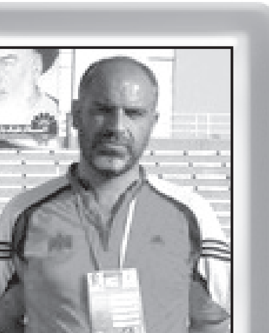
عزیزفریسات ادامه داد: فضا وشرایط بازی دربازی های دوستانه با بازی های رسمی بسیار متفاوت است وبچه های ما نباید غرور به آنها دست دهد و درمسابقات رسمی بازیها را ساده تصورکنند.

وی تصریح کرد: تا قبل از بازی های رسمی همه بازیکنان را محک خواهیم زد وبه دنبال انجام بازی های تدارکاتی بیشتر بمنظور رفع نقایص تیمی و تقویت برنامه های تاکتیکی تیم خود هستیم .

مصاحبه با علی پور شاکر و میثم وفایی مربیان تیم های پایه ای شاهین بوشهر:



این نتایج اتفاقی نیست





– مسابقات منطقه ۹ کشور که شاهین در رده زیر ۱۱ سال وزیر ۱۲ سال قهرمان شد سطح بازی ها را چگونه مشاهده کردید؟

پورشاکر: بازی ها از لحاظ کیفی سطح مطلوبی داشت ولی از لحاظ کمی چندان مناسب نبود.

وفایی: سطح مسابقات از کیفیت بالایی برخوردار بود.خصوصا تیم میزبان که نماینده استان فارس بود به صورت یک تیم منتخب وارد این مسابقات شدند.بهترین بازیکنان مدرسه های فوتبال برق شیراز و مدرسه فوتبال ولیعصر و چندین مدرسه فوتبال معروف دیگر که جزء طرح آسیا ویژن می باشند همگی در قالب یک تیم حضور داشتند.

– همکاری مدیر عامل شاهین در خصوص همکاری لازم با تیم های پایه را چگونه دیدید؟

پور شاکر:هم مدیر عامل محترم (آقای کنگانی) وهم مدیر تیم های پایه ای (آقای عبدالله زاده) به نحو احسن حمایت کردند.

وفایی: قبل از اعزام یک جلسه هماهنگی بین آقای کنگانی مدیرعامل پر تلاش باشگاه و مسئولین رده پایه آقای حاج رضا عبد الله زاده مرد خستگی ناپذیر و همه تن حریف باشگاه و آقای رضا سیاهوشی مدیر زحمتکش و بی ادعای مدرسه فوتبال برگزار گردید و خوشبختانه همه چیز برنامه ریزی شده و مهیا و آماده بود که جا دارد تشکر ویژه ای از این عزیزان داشته باشم.

– هزینه اعزام تیم را چه کسی متقبل شد؟

وفایی: همان طور که گفتم یک تعاملی بین مسئولین باشگاه برقرار شد وهمکاری های لازم به عمل آمد.

– بهترین بازیکن در هر رده از چه کسی می توانید نام ببرید؟

پور شاکر :مسلما با این نتایج همه گی خوب بودند که این نتایج به دست امده ولی در راس آنها در رده زیر ۱۱ سال می توان فرشاد سه کناری و محمد رضا بجلی نام برد ودر رده زیر ۱۲ سال متوان به محمد شریفی و علی عالی نژاد اشاره کرد.

وفایی:الحق وال انصاف تمامی بازیکنان در هر دو رده خیلی خوب کار کردند که نتیجه اش قهرمانی مشخص است اما از تیم زیر ۱۱ سال فرشاد سه کناری و محمد رضا بجلی و از تیم زیر زیر ۱۲ سال محمد شریفی و علی اکبر راستگو و علی عالی نژاد پدیده های این مسابقات‌بودند

– نقش خودت و همکارانتان را در این قهرمانی چه قدر موثر می دانی؟

وفایی:ما همگی یک خانواده هستیم تک تک اعضای کادر فنی ما در این قهرمانی به اندازه ما شریک هستند. مهمترین عامل موفقیت های ما دوستی و صمیمیت وهمدلی بین اعضا کادر فنی است. جا دارد از آقایان منصور کاوه بیان , رضا سیاوشی ,اکبر بارگاهی, مجتبی شجاعیان, و رضا لب شکری تشکر کنم.

– بازی های مرحله بعد در کجا و کی انجام می شود؟

وفایی: دراکادمی تیم ملی در تهران برگزار شود و احتمالا در اواسط اذر ماه.

– چکار باید کرد که مسئولین رده پایه را,ارج نهند؟

پورشاکر: باید به آنها فهماند که حقیقت هر کار پایه ان کار است حال در هر زمینه ای که باشد.

وفایی: این سوال باید از خود مسئولین پرسیده شود کار ما در زمینه فنی است ولی ما سعی و تلاش وکوشش خود را میکنیم تا بتوانیم نتایج در خور شایسته بگیریم و نگاه مسئولین را به اهداف خود معطوف کنیم . ما در شهرستان واستان ومنطقه ۹ کشور قهرمان شدیم مسلما باید نگاه فعلی مسئولین استان نسبت به قبل باید عوض شده باشد. این استارت کار ما بوده است.

– تا چه زمانی تیم های بزرگسالان ما می بایست به استان های دیگر دست دراز کنند؟

پور شاکر:ضرب المثلی است که می گویند :خشت اول گر نهند معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج .بله تا مسئولین به همین پایه ها اهمیت ندهند همیشه باید دستمان روی بیگانگانی که در پایه در مقابل ما هیچ حرفی برای گفتن ندارن دراز باشد

وفایی:قبلا عرض کردم تیم شیراز با ان همه جمعیت استان و امکانات و بحث اکادمی واسیاویژن در مقابل بچه های بی ادعای بوشهری کم آوردند. بنابراین حساب دو در دو میشود چهار و همین بچه هاتا ۵و۶ سال دیگر باید در تیم های نوجوانان وجوانان بازی کنند وبا فوتبال رشد کنند. مطمئن باشید در سال های اتی در استان فارس که بازیکن جدیدی در همین رده سنی از اسمان پیدا نمی شود هرچه هست همین ها هستند که تازه مستعد تر از بقیه بوده اند. حالا جالب است که همین بازیکنان از شیراز یا فرقی ندارد دیگر استان ها وارد تیم های مختلف بوشهری میشوند بازیکنان خودمان که زمانی برتر از آنها بوده اند ازتیم های شهر خود به راحتی کنار گذاشته می شوند. تنها مطلبی که می توانم عرض کنم این است که ما باید خودمان ,خودمان را باور کنیم. مدیران ومسئولین رده بالای ذیر بط ورزش شهر واستان باید به نیرو های خودی اعتماد کنند و آن ها را باور داشته باشند. ماپتانسیل بالایی داریم فراموش نکنیم که پارسال تیم زیر ۱۲ سال استقلال بوشهر به مقام دوم کل کشور رسید وهمین ۲ماه پیش تیم فوتبال دانش آموزی استان بوشهر نایب قهرمان آموزشگاه های ایران شد پس این نتایج اتفاقی نیست.

مدیرکل تربیت بدنی:
از تیم فوتبال رسانه ورزش حمایت می‌شود



بازیکنان تیم فوتبال رسانه ورزش استان بوشهر در اداره کل تربیت بدنی استان به دیدار رضا جمشیدی مرد اول ورزش استان رفتند و در مورد تأسیس تیم فوتبال رسانه ورزش با وی صحبت نمودند. در ضمن از مشکلات این تیم نوپا نیز مواردی گفته شد، جمشیدی نیز قول مساعد داد که از تیم فوتبال رسانه ورزش حمایت خواهد کرد. وی افزود: رسانه‌ها حلقه اتصال بین مردم و ورزش هستند و در پیشرفت ورزش نقش بسزایی دارند.

رضا جمشیدی درادامه سخنانش گفت: خوشحالم که امروز کسانی که قلم در دست دارند و برای ورزش می‌نویسند خود دارای تشکیلاتی هستند. هم ورزش می‌کنند و هم در مورد ورزش می‌نویسند و راهکار ارائه می‌دهند. ما تا آن‌جا که در توان داشته باشیم حامی تیم فوتبال رسانه ورزش استان خواهیم بود و مشکلات این تیم را مرتفع خواهیم نمود.

درخشش دریانوردان بوشهر در لیگ برتر فوتبال ساحلی



دریانوردان بوشهر هفته هفتم لیگ برتر فوتبال ساحلی را با پیروزی پشت سر گذاشت. به گزارش فوتبال بوشهر – پابرهنه های با انگیزه بوشهری در شرق ایران زمین مهمان بیرجندی ها بودند و موفق شدند با حساب شش بر دو پولاد مشبک بیرجند را شکست دهند. شاگردان طبیب نژاد به آرامی و البته با صلابت می خواهند با حضور در فینال لیگ برتر ساحلی هت تریک کرده و نام خود را در تاریخ فوتبال بوشهر جاودانه کنند.

شروع نه چندان خوب برای ایرانجوان

ایرانجوان بوشهر در اولین هفته رقابت های لیگ دسته اول جام آزادگان در یک بازی خانگی مقابل پیام مخابرات شیراز متوقف شد. در این دیدار ایرانجوانی ها بتدا با ضربه پنالتی سیفی در دقیقه ۲۳ به گل رسیدند اما در نیمه دوم نتوانستند از این گل حفاظت کنند و مصطفی کارگشا مهاجم شیرازی از روی یک ضربه ایستگاهی بازی را به تساوی کشاند، روی این گل دروازه بان ایرانجوان در جاگیری مقصر بود. . در ادامه شرفی با به میدان آوردن رضا نظرزاده، اسماعیل خزایی و حسین خسروی سعی کرد که به بازی سرعت دهد اما این تیم در مجموع نتوانست یک بازی هجومی را به نمایش بگذارد. در این بازی ایرانجوانی ها منتظر صدور کارت سه بازیکن خارجی خود یعنی ساندی، سکو و فونیکه سی بودند، اما با نرسیدن کارت بازی آنها، اصغر شرفی مجبور شد برای این دیدار قید آنها را بزند.از این بازی بیش از ۲ هزار هوادار بوشهری استقبال کرده بودند.

بوشهر قهرمان بیسبال ایران شد

پانزدهمین دوره مسابقات بیسبال قهرمانی کشور با قهرمانی تیم بوشهر به پایان رسید. تیم بوشهر در دیدار نهایی مسابقات بیسبال قهرمانی کشور که در کرج برگزارشد با نتیجه ۶ بر ۵ مقابل قم به برتری دست یافت و صاحب عنوان نخست این رقابت‌ها شد. در دیدار رده‌بندی نیز تیم سمنان با نتیجه ۲۲ بر ۸ گیلان را شکست داد و در رده سوم ایستاد.

برگزاری مسابقات فوتسال سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر



به گزارش مسئول امور ورزشی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر تیم شرکت شهرک های صنعتی به قهرمانی دومین دوره از مسابقات فوتسال جام رمضان از بین ۸ تیم رسید. در مرحله نهایی این مسابقات که با حضور ریاست سازمان، مهندس سنائی دشتی و نایب رئیس سازمان مهندس حمید پورحیدر و جانشین مدیرعامل شرکت شهرک های صنعتی غلامحسین پولادتن برگزار شد، تیم شرکت شهرک های صنعتی موفق به برتری بر تیم سازمان نظام مهندسی ساختمان الف شد. در این مسابقه تیم شرکت شهرک های صنعتی در مجموع دو نیمه با زدن ۱ گل بازی را به نفع خود به پایان رساند. در بازی رده بندی نیز تیم سازمان مسکن شهرسازی برتیم سازمان صدا و سیما مرکز بوشهر چیره شد و به کسب مقام سوم نائل گردید. ضمناً تیم اداره کل دیوان محاسبات با نظر هیأت برگزاری به عنوان تیم برتر اخلاق،جام اخلاق این مسابقات را از آن خود نمود و جایزه آقای گلی مسابقات به مهندس نصراله باستین و جایزه فنی ترین بازیکن به مهندس وحید درم سرا تعلق گرفت.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتو گرافی وچاپ : کارگر





روی خط شاهین

۱ با سخنان استاندار مخالفم



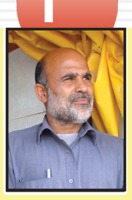
احمد رزمی پیشکسوت شاهین: چندی پیش استاندار بوشهر گفته بود تیمی که می بازد نباید به آن کمک مالی نمود. من با این گفته ایشان مخالفم، چون تیم شاهین در اول را ه است و نباید چنین دیدگاهی در رابطه با این تیم داشت .همه می دانند که فوتبال ورزش اشتباهات و اتفاقات است. البته ما خودمان هم در این زمان مانده ایم که فکر بازی بازیکنان باشیم یا فکر پول نگرفتن آنها، به اعتقاد من اگر اول فصل پولی به شاهین داده می شد این نتایج در کارنامه تیم درج نمی شد. با اینکه انتقاد بر کادر فنی هم وارد هست و شایسته است جناب کنگانی بیشتر بر آنها اشراف داشته باشد ولی نباید از مسئله نداری شاهین بسادگی گذر کرد .شبی که استیلی در یکی از برنامه های تلوزیونی گفت ستار زارع به بازیکنان پول میدهد ، بخدا در آن زمان آب شدم ، چون شان باشگاه بزرگی مثل شاهین زیر سوال رفت.

۲ چشم به حمایت مسوولین از شاهین



عبدالرضا عبد ا.. زاده پیشکسوت شاهین: بحمدا.. با وجود با برکت حضرت آیت ا... صفائی بوشهری، این مرد دلسوز و مدبرکه با تدبیر خود، آینده ای امید بخش دور نمای امور استان را رقم زده است و چنانچه مدیریت ارشد استان و مدیران محترم به خصوص مدیران بومی و درد آشنا با ایده های این مرد بزرگ همراه شوند، نه تنها در بعد ورزش که در تمامی امور، این استان را بیمه خواهند کرد. قدرمسلم جامعه ورزشی نیز چشم امیدشان به حمایت مسوولین از شاهین عزیز می باشد. باید قبول کرد که با پیشرفت شاهین ، باب پیشرفت در دیگر رشته های ورزشی وحتی در بعد سیاسی ،اجتماعی واقتصادی باز خوهد شد.

۳ مسوولین برای بوشهر و شاهین دلسوزی نمایند



حسین وردیانی پیشکسوت فوتبال بوشهر: شاهین متعلق به همه مردم استان بوده و باید به نظر مردم احترام گذاشت، مسولین باید دراین باره جلسه ای اضطراری داشته باشند تا مسله مالی آنها حل گردد. با توجه به اینکه آیت ا..صفایی بوشهری در این رابطه گام های موثری برداشته تا شاهین به وزارت نفت وصل شود اما بهتر است دیگر مسوولین هم به مانند ایشان برای بوشهر و شاهین دلسوزی نمایند. با تزریق ۱۰۰ الی ۵۰۰ میلیون تومان دردی از مشکلات شاهین دوا نمی شود. ما نباید زمان را از دست دهیم، باید مدیریت زمان کنیم . من به آقای کنگانی خسته نباشید می گویم چون وی در همه حال به فکر رفع مشکل مالی شاهین است .اما بهتر است در این شرایط بحرانی با اهل فن مشورت کند.

۴ زشت است که بگوییم شاهین مشکل مالی دارد



اکبر حسن ابراهیمی پیشکسوت شاهین: زمانی که داشتم بازی شاهین در مقابل ملوان را تماشا می کردم، گفته گزارشگر انزلی چی، مرا میخ کوب کرد. او در حین گزارش از مشکلات مالی شاهین گفت و من عرق شرم ریختم، صد البته مثل من در آن لحظه زیاد بودند دلشان به درد آمد. باور کنید بعد از آن لحظه دیگر تاب نگاه کردن بازی را نداشتم ،چون در دنیا بوشهر به عنوان (گلد سیتی) می شناسند یعنی شهر طلائی، واقعا برای ما زشت است که بگوییم شاهین مشکل مالی دارد. مگر ما چند نماینده در لیگ برتر داریم. مسولین باید دلشان بحال نوجوانانی بسوزد که پولهای هفتگی خود را جمع کرده تا صرف هزینه بلیط و ایاب وذهاب برای دیدن بازی شاهین خود نمایند. مگر ما استان گدایی هستیم؟ نا سلامتی پایتخت انرژی ایران لقب گرفتیم . بامید اینکه مسوولین محترم بخود بیایند!

۵ شاهین زنجیر اتحاد استان بوشهر



احسان اکبری هوادار شاهین: باور کنید در این روزها نه بوشهری ها بلکه اکثر دوستداران شاهین در سراسر ایران ،از وضعیت بد مالی تیم شهر ما مطلع اند و این برای استان ما که روی گنج خوابیده بسیار نارحت کننده است. چراها و سوالات در این خصوص بسیار زیاد است، و هر مسوولی دراین رابطه مانوری میدهد، ولی چیزی که میان می ماند حق مردم و شادی هم استانی ها ست که کدام مسوول باید جواب گوی شادی واحساسات مردم قانع بوشهر باشند. شاهین یک بهانه است که مردم در زمین ورزش با هم یکی شوند. یک سوال از مسوو لین دارم. آیا همین شاهین نمی توند در مواقع لزوم، زنجیر اتحاد استان گردد؟

در جلسه هیئت موسس شاهین چه گذشت

هیئت موسس شاهین، پشت کنگانی را خالی نکرد

چهارشنبه شب هفته گذشته هیئت موسسین باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین بوشهر با حضور کنگانی مدیرعامل تشکیل جلسه داد. در این جلسه موارد زیر مورد بحث و تبادل نظر و تصویب قرار گرفت:

۱. با توجه به جوّ به وجود آمده و عدم نتیجه گیری تیم فوتبال که منتج به آن شده است که بعضی افراد غیر مسئول به خود اجازه دهند در امور باشگاه دخالت مستقیم نموده و هیئت موسس و مدیرعامل را مورد مواخذه قرار دهند و با به اصطلاح کارشناسی فنی در رسانه مملکتی، خود را علامه و دیگران را مبتدی نمایش دهند. هیئت موسسین ضمن اعلام حمایت بی وقفه خود از مدیریت باشگاه و کادر فنی نخواهد گذاشت که به مکتب باشگاه شاهین خللی وارد شود.

۲.آقای محمد نجفی مدیرعامل اسبق باشگاه در نشریه ای عنوان کرده بود که بنده اسپانسر ۱۲ میلیاردی برای باشگاه ردیف کرده ام و با مخالفت هیئت موسسین روبرو شده، جهت روشن شدن افکار عمومی اعلام میدارد که این اسپانسر هدفش نگهداری تیم فوتبال شاهین نبود، زیرا در یکی از بندهای پیشنهادی حق واگذاری بغیر را از باشگاه سلب و به خود اختصاص می داد که همین بند مورد مخالفت اعضا قرار گرفت، چون برابر اساسنامه هیئت موسسین حافظ منافع باشگاه است و هرگاه موجودیت آن به خطر بیفتد قطعا اقدام مقتضی می نماید.

۳. با پیشنهاد مدیرعامل اعضا هیئت موسسین با حفظ سمت به عنوان هیئت مدیره باشگاه منصوب می گردند.

۴. بزودی کمیته فنی توسط هیئت مدیره تعیین و جهت نظارت بر کادر فنی و مشکلات موجود معرفی خواهد شد.

۵. از تلاش مستمر حضرت آیت اله صفائی بوشهری و استاندار محترم بوشهر جهت تصویب بودجه تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی قدردانی و تشکر به عمل آمد.



مهاجرانی مدیر فنی تیم شاهین بوشهر:

به دنبال بهانه‌جویی برای شکست‌ها نیستم

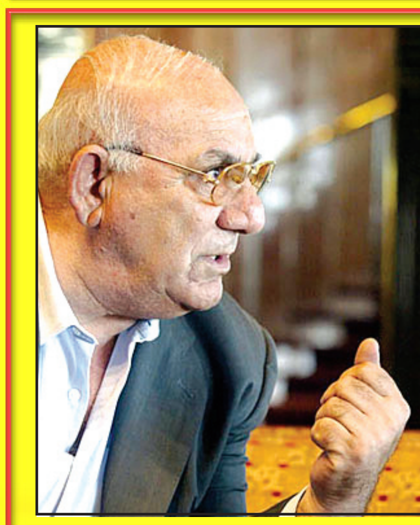
حشمت مهاجرانی در گفت و گو با خبرگزاری فارس، در مورد نتایج ضعیف شاهین بوشهر و دو شکست متوالی در لیگ برتر، اظهار داشت: با وجود اینکه تمام کارهای فنی را انجام می‌دهیم، نقاط ضعف و قوت حریفان را برای بازیکنان تشریح می‌کنیم. نمی‌دانم چرا در نتیجه‌گیری ضعیف هستیم؛ البته دیدار با ملوان به هیچ عنوان بار فنی نداشت و هر دو تیم بد بودند.

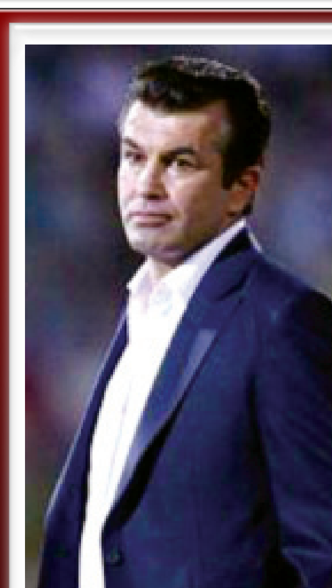
وی ادامه داد: در مسابقه با ملوان به دلیل کیفیت بد زمین، هر دو تیم به توپ‌های هوایی رو آورده بودند. در نهایت، ملوان بهتر از ما از فرصت‌ها استفاده کرد و برنده شد؛ البته یک گل را هم دروازه‌بان تیم ما به ملوان تقدیم کرد. از این نتایج تیم بازیکن، تماشاگر، مسئولان و مدیران باشگاه راضی نیستند.

بعد از تعطیلات، علل شکست‌ها را بررسی خواهیم کرد.

مدیر فنی تیم در مورد وضعیت مالی و ارتباط آن با این نتایج گفت: هیچ وقت دوست ندارم برای شکست‌ها بهانه‌جویی کنم. تماشاگر فوتبال فهیم است. باید به طور واضح در این مورد صحبت کنیم. اینکه توپ نبود و پول نداشتیم و ... را قبول ندارم. پول فقط یک فاکتور کمک کننده است.

مدیرفنی سابق استیل آذین در مورد شایعه بازگشت او و استیلی به استیل آذین عنوان کرد: از نظر اخلاقی درست نیست که تیم را در هفته نهم رها کنیم و برویم. با استیلی هم در این زمینه صحبت کردم. هر دو ما نسبت به تعهداتمان به باشگاه مسئول هستیم.





استیلی سرمربی شاهین بوشهر:

تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا از این بحران خارج شویم

سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر با تاکید بر اینکه با تیم فوتبال شاهین بوشهر تا پایان فصل قرارداد دارم و تا پایان به آن پایبند خواهم بود گفت: در شاهین بوشهر خواهم ماند.

استیلی در خصوص اینکه آیا بندی برای جدایی اش از تیم فوتبال شاهین بوشهر در قراردادش با این باشگاه وجود دارد خاطر نشان کرد: این موضوع صحت ندارد و چنین بندی در قرارداد من وجود ندارد.

وی با اشاره به وضعیت تیم فوتبال شاهین بوشهر تصریح کرد:

متاسفانه تا کنون در نتیجه گیری موفق نبوده ایم و این اتفاق برای هر تیمی ممکن است رخ دهد.

وی اظهار داشت: تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا از این بحران خارج شویم و خود را از انتهای جدول جدا کنیم.

استیلی خاطر نشان ساخت: اطمینان داشته باشید تیم فوتبال شاهین بوشهر در پایان فصل میان نه تیم اول جدول خواهد بود و به هیچ عنوان مدعی سقوط نیستیم.

سرمربی شاهین بوشهر با اشاره به برطرف شدن مشکلات مالی این تیم گفت: امام جمعه بوشهر تعامل بسیار خوبی با مسئولان باشگاه دارد و قرار است بزودی مشکلات ما را بر طرف کند.



پشت دروازه فوتبال

شکایت پتروویچ از پرسپولیس



ایوان پتروویچ هافبک شاهین که از دو سال قبل مبلغ ۴۰ میلیون تومان از تیم قبلی اش یعنی پرسپولیس طلب دارد، چندی پیش از سرخ پوشان تهران شکایت کرد و سفت و سخت دنبال طلبش ایستاده، حالا باید دید ایوان برنده می شود یا حبیب کاشانی سرپرست پرسپولیس؟

ایرانجوان رفع تعلیق شد



پرداخت بدهی سال قبل به بازیکنان ایرانجوان، این تیم رفع تعلیق شد تا با خیال راحت در مسابقات لیگ دسته اول شرکت کند. گویا در این رابطه جمشیدی مدیرکل تربیت بدنی استان پنجاه میلیون تومان به ایرانجوانی ها پرداخت کرده است.

چقدر پول به شاهین داده شده؟



به گفته جمشیدی مدیرکل تربیت بدنی استان از اول سال ۸۹ تا به حال در چند مرحله مبلغ یک میلیارد و ششصد و ده میلیون تومان به شاهین پرداخت شد. این مبلغ از محل استانی و کشوری بوده است.

با کسی شوخی نداریم



ابلاغ استاندار در خصوص بند ب ماده ۱۱۷ به کلیه دستگاههای اجرایی استان حکایت از این دارد که آنها می بایست یک درصد پول ورزش را به حساب تربیت بدنی استان واریز نمایند و استاندار اظهار داشته در این رابطه با کسی شوخی نداریم.

۵۰۰ میلیون در حساب شاهین

به گفته یکی از مسوولین استان با یاری پارس جنوبی و پیگیری های امام جمعه بوشهر هفته آینده مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان به تیم شاهین پرداخت خواهد شد.

۲۷ میلیون در حساب پرسپولیس برازجان



هفته پیش مسوولین سیمان دشتستان مبلغ ۲۷ میلیون تومان به حساب تیم پرسپولیس برازجان واریز کردند تا گوشه ای از مشکلات مالی این تیم دسته دومی رفع گردد. باز هم گلی به جمال مسوولین سیمان دشتستان.

پتروویچ در دبی

اوایل هفته جاری پتروویچ بازیکن شاهین به اتفاق خانواده اش راهی دبی شدند تا از تعطیلات نهایت بهره را ببرند.

گاز جم ، مخابرات و برق شیراز را شکست داد



شاگردان عزیز فرسیات در شیراز در دو دیدار پاپاپای دو تیم شیرازی پیام مخابرات و برق شیراز را شکست دادند. تیم گاز جم که خود را برای مسابقات لیگ دسته دوم ایران آماده می کند این روزها در حال آماده سازی بسر می برد.

اردوی شاهین در عسلویه



پس از یک هفته تعطیلی بازیکنان شاهین ، مسوولین این تیم برآن شدند تا اردوی یک هفته ای در عسلویه برگزار نمایند. گویا شاهینی ها برای بازی با ذوب آهن ، حسابی برنامه دارند.

بانوی بوشهری با تیم ملی فوتبال در بنگلادش



محبوبه دهقانی سنگربان بوشهری تیم ملی بانوان زیر ۱۹ ساله های ایران، هفته پیش با تیم ملی فوتبال ایران به کشور بنگلادش اعزام شد تا در مسابقات مقدماتی آسیایی شرکت کند. به امید موفقیت تیم ملی و هم استانی مان.

محمد شاه مدیرعامل ایرانجوان شد

بنا به تصمیم هیات موسسین و موسس ایرانجوان، امیر محمدشاه به عنوان مدیرعامل ایرانجوان انتخاب گردید. این جوان بوشهری در پی بزرگی در ایرانجوان خواهد بود. به امید موفقیت این جوان بومی در ایرانجوان.